

دانشگاه جامع
علمی کاربردی

تاریخ تحلیلی صدر اسلام

استاد: اسداله طاهر رضی



واژه و ریشه تاریخ: واژه تاریخ از اَرَّخ، يُأرَّخ، تاریخا" به معنای ذکر وقایع و حوادث است.

کلمه History به معنای تاریخ 1 از ریشه Istorìa به زبان یونانی است که در قرن پنجم و ششم قبل از میلاد از اهمیت خاصی برخوردار شد. 2

واژه تاریخ از معنای ساده ذکر روز، ماه و سال رفته رفته به توصیف آثار و رویدادهای تاریخی تبدیل شد. و زمانی که در زبان عربی رایج گردید بر پنج معنا دلالت دارد. 1) سیر تدریجی زمان و حوادث 2) تاریخ رجال 3) تدوین تاریخ، وصف و تحلیل مسایل تاریخی 4) علم تاریخ و آشنایی با کتاب های تاریخ 5) تعیین و مرزبندی واقعه یا حادثه روزانه یا ماهانه و یا سالانه 3

هرودت پدر تاریخ، تاریخ را به معنای مطالعه و بررسی روزگاران گذشته می داند. 4 ابن خلدون تاریخ را دانشی سرچشمه گرفته از حکمت و بیانگر سرگذشت ملت ها، سیره پیامبران و سیاست پادشاهان می داند. 5 گروهی تاریخ را وقایع مشهور، روزگار پادشاهان، جنگ ها، احوال پیامبران و سیره و سنت آنان را معنای تاریخ دانسته اند. 6

عناصر تاریخ:

علم تاریخ از سه عنصر تشکیل شده است زمان، مکان و انسان سه عنصر تشکیل دهنده تاریخ اند بعنوان مثال جنگ چالدران در سال 920 هجری قمری در منطقه چالدران بین شاه اسماعیل و سلطان سلیم عثمانی اتفاق افتاد در این جنگ شاه اسماعیل از سلطان سلیم شکست خورد. در این روایت تاریخی هر سه عنصر زمان، مکان و انسان لحاظ شده است.

انواع علم تاریخ:

علم تاریخ اقسام مختلفی دارد یکی از مهم ترین تقسیم بندی ها درباره علم تاریخ، تاریخ نقلی، علمی یا تحلیلی و فلسفه تاریخ است.

تاریخ نقلی: علم به وقایع و حوادث سپری شده و اوضاع و احوال گذشتگان است مانند زندگینامه ها، فتحنامه ها و سیره ها. 7 تاریخ نقلی به یک سلسله امور جزئی و فردی می پردازد و علم به بودن هاست. و مربوط به گذشته است.

تاریخ علمی یا تحلیلی: علم به قواعد و سنن حاکم بر زندگی گذشتگان و تجزیه و تحلیل بر حوادث و وقایع گذشته با هدف کشف روابط علی و معلولی و استنباط قوانین کلی از آن ها را در اصطلاح تاریخ علمی و تحلیلی می گویند. 8 تاریخ علمی یا تحلیلی کلی است و از ابزار عقل در تحلیل حوادث استفاده شده است و می توان مسائل و قواعد آن را به حال و آینده تعمیم داد.

فلسفه تاریخ: همان کشف قوانین و احکام بدست آمده از تاریخ تحلیلی و وقایع و حوادث تاریخی است. 9 به وسیله آن می توان آینده را پیش بینی کرد. فلسفه تاریخ بر خلاف تاریخ نقلی و علمی یا تحلیلی علم شدن است.

شهید مطهری در تعریف فلسفه تاریخ علم به تحولات و تطورات جامعه از مرحله ای به مرحله دیگر و علم به قوانین حاکم بر این تطورات و تحولات را فلسفه تاریخ می داند. 10

فایده تاریخ:

تاریخ فواید زیادی دارد که از جمله آن می توان به عبرت آموزی، تجربه پذیری، آینده نگری یا پیش بینی آینده و تفاهم بین اقوام و ملت ها اشاره کرد.

1 محمد ابابکر رازی، المنجد، ماده اَرَّخ، ص 13

2 صادق آئینه وند- تاریخ سیاسی اسلام؛ مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ پنجم، 1371، ص 16

3 آئینه وند، پیشین، ص 17

4 تاریخ تمدن، هنری لوکاس، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، ص 7

5 عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ص 9

6 سید صادق سجادی، هادی عالم زاده تاریخ نگاری در اسلام، ص 9-10

7 مطهری، مرتضی، مجموعه آثار کتاب جامعه و تاریخ، ص 368

8 مرتضی مطهری، پیشین، ص 368

9 به وسیله فلسفه تاریخ

10 مطهری مرتضی، پیشین، ص 371

قرآن کریم به تاریخ اهمیت داده است یک سوم آیات قرآن مربوط به پیشینیان و گذشتگان است آیاتی نیز مستقیم یا غیر مستقیم انسان را به مطالعه و بررسی، تفکر و تعقل در سرگذشت پیشینیان دعوت کرده است هدف قرآن از بیان این حوادث و رویدادها درس عبرت و پند آموزی است آموزش های تاریخی پیامبر اکرم و ائمه اطهار و حکیمان مثاله نیز همین هدف را دنبال می کند.

علاوه بر قرآن امام علی(ع) نیز درباره تاریخ و اصول و سنت های تاریخی رهنمودهایی دارد که به برخی از این رهنمود ها اشاره می شود. امام علی(ع) خطاب به امام حسن (ع) می فرماید: فرزندم، اگرچه من عمر طولانی نداشته ام و در طول تاریخ همراه کسانی که پیش از من زندگی کرده اند نبوده ام، ولی در اعمال و رفتارشان نظر کرده ام و در اخبار آنان اندیشیده ام و در آثار آنان سیر کرده ام تا اینکه همانند یکی از آنان به شمار آمدم و با نظر و اندیشیدن در اخبار آنان و سیر در امورشان گویی عمر جاودانی داشته ام و با اولین و آخرین آنان کرده ام. سپس پاکیزه و خوبیهای آنان را از بدیها و پلیدیهایشان و نفعشان را از زیانهایشان شناختم و آنچه برای شما پاکیزه و نیکوتر است، جدا کردم و برگزیدم. 11 و در جای دیگر می فرماید: هر آن کس تاریخ و حالات گذشتگان را آینه عبرت خویش قرار دهد، تقوی او را از سقوط در پرتگاههای شهوات باز می دارد. 12

اهمیت و ارزش تاریخ اسلام

تاریخ بخشی از هویت یک ملت است و شناسنامه هر ملتی براساس میراث های تاریخی اش شکل می گیرد برخی از فواید عمومی تاریخ عبارتند از:

- 1 - انتقال هزاران تجربه از فرهنگ و آداب و سنن به نسلهای بعدی
- 2 - آگاهی از عوامل شکستهای پیروزیها و رشد تمدنها و مرگ آنها
- 3 - شناخت بهترین انسانها به عنوان اسوه و تقلید از رفتار آنان
- 4 - آگاهی از عوامل پیدایش عقیده ها و بررسی های تاریخی و ویژگیهای آنها

فواید تاریخ اسلام

- 5 - شناخت حقانیت اسلام
- 6 - شناخت آیات قرآن و مراحل مختلف نزول آن
- 7 - شناخت مراحل حرکت پیامبر برای اجرای اسلام و برقراری حکومت اسلامی

- 8 - شناخت روشهای مختلف تبلیغی و تربیتی پیامبر اسلام
- 9 - شناخت عوامل پیروزی ها و شکستها، بررسی جنگهای پیامبر اسلام
- 10 - شناخت احکام شرعی و مراحل چگونگی وجوب و مشروعیت آنها
- 11 - شناخت ریشه های عقیدتی اسلام در سیره و سنت و غیره.

دلایل توجه به تاریخ و تاریخنگاری در اسلام

- 1- تأثیر مباحث تاریخی قرآن نه تنها خود بخشی از مواد تاریخی را عرضه کرده بلکه مسلمانان را تشویق به فراگیری تاریخ نموده است. تا در راه یابی به سوی هدایت و دین داری از آن بهره جویند. همچنین در قرآن اشاره هایی به زندگی پیامبران شده است که تفسیر این آیات مسلمانان را به سمت تاریخنگاری کشانده است. 13
 - 2- لزوم بهره گیری از سنت رسول خدا، نگرش مسلمانان درباره پیامبر به عنوان اسوه مستلزم بررسی دقیق زندگی آن حضرت بود. در نتیجه کتابهایی تحت عنوان سیره به زندگی پیامبر پرداخته اند. 14
 - 3- میراث تاریخی اعراب در جاهلیت: در میان اعراب جاهلی وقایع مهم را تحت عنوان ایام العرب نامیده اند اعراب این روزها را حفظ کرده و به طور شفاهی از نسلی به نسل دیگر انتقال می دادند خاطره این ایام نخستین ذهنیت تاریخی است که میان قوم عرب وجود داشته و توجه بهار خداهای گذشته را برای آنان زنده نگاه داشته است. به نظر می رسد تک نگاریهای مربوط به جنگ ها و حوادث مقطعی در تاریخنگاری اسلامی برگرفته شده از ایام العرب است. 15
- همچنین علم انساب نیز که مربوط به قبل از اسلام است نیز به میزان کمتری در تاریخنگاری مسلمانان تأثیر داشته است.

¹¹ امام علی(ع) فیض الاسلام نهج البلاغه، نامه 31، صفحه 914

¹² همان منبع، صبحی صالح، خطبه 16،

¹³ رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام(سیره رسول خدا) قم، انتشارات دلیل ما چاپ سوم ص 17-18

¹⁴ همان 19-18

¹⁵ همان ص 16

4-تأثیر ملتهای گوناگون بر تاریخنگاری مسلمانان: متون تاریخی سایر ملل بخصوص ملل مفتوحه ایران و بیزانس بر تاریخنگاری اسلامی تأثیر گذاشت با نگاهی به تاریخهای عمومی نظیر تاریخ یعقوبی، اخبار الطوال دینوری و مروج الذهب مسعودی و تاریخ طبری آشکار می شود که از منابع فارسی استفاده شده است. بخصوص برخی معتقدند که تاریخنگاری اسلامی بخصوص تاریخ دودمانی تأثیر زیادی از نوشته ها ایرانیان گرفته است¹⁶ ایرانیان در زمینه های تاریخ به خصوص نوشته های اخلاقی علمی و حکومتی در دسترس مسلمانان قرار گرفته است از جمله آثار ابن مقفع که به عربی ترجمه شده است نمونه بارز آن کتاب خدای نامه است که به نام سیرالملوک ترجمه گردیده است.¹⁷ آثار یهودیان نیز بر تاریخنگاری مسلمانان تأثیر گذاشته است به خصوص کعب الاحبار، وهب بن منبه از جمله یهودیانی بودند که تفکرات یهودی و تاریخ یهودی را در میان مسلمانان رواج دادند. کتاب المبتدأ که نوعاً داستان آفرینش و هبوط و انبیا را شامل می شد به تقلید از یهودیان و نیز به انگیزه ی تبیین برخی از آیات تاریخی قرآن درباره انبیا پدید آمد.¹⁸

عوامل تحرک تاریخ: 1- مارکسیم عامل عمده یا به تعبیردیگر موتور تاریخ را اقتصاد و تکامل ابزار تولید دانسته است و گرچه هگل بشر را سازنده ی تاریخ می داند ملی مارکس اقتصاد را عامل تاریخ می شمارد.

2- فریود غریزه جنسی را عامل حرکت می داند.

3- آرلر و نیچه عامل حرکت را در غریزه ی برتری جویی و قدرت طلبی خلاصه می کند.

4- بیکن مراحل مختلف رشد علم را سرآغاز تحول و عامل اساسی حرکت تاریخ می داند.

اسلام علاوه بر نظریات بالا به عوامل دیگر در حرکت تاریخ اشاره دارد.

1 - نقش انبیا و رهبران بزرگ الهی و مذهب و دین مهمترین عامل تحرک و تحول تاریخ است. وجود دو تاریخ بزرگ جهانی میلاد حضرت عیسی و هجرت پیامبر موید آن است.

2 - هجرتها و مهاجرت ها در تحرک و پیشرفت علوم و فنون ، فرهنگ و اخلاق و دین مؤثر بوده اند.

3 - نوابغ و شخصیتهای بزرگ علمی، سیاسی، نظامی به نوبه خود تاریخ ساز است.

4 - حب جاه و ریاست طلبی و خود خواهی موجب جنگهای بزرگ می شود. و در تاریخ نقش دارد.

5 - افزایش جمعیت و پدید آمدن نیازها و خواسته های جدید و نیاز به فضای بیشتر به قول هیتلر در حرکت توده ها بی اثر نبوده است. عوامل طبیعی نیز مانند سیل- قحطی- طوفان در سقوط با صعود ملتها و تمدنها و پیدایش آنان مؤثر بوده

است.¹⁹

عوامل انحراف در نگارش تاریخ اسلام²⁰

تاریخ شیعه به دلیل برخورداری از روایات اهل بیت و امامان معصوم دچار قطع و فاصله نیست و حلقه ی مفقوده ندارد. ولی اهل سنت به علت جلوگیری خلق از نگارش تاریخ و نقل حدیث از این صحت و منبع محروم و مقطوع بوده اند.

اینک به نقل علل و انگیزه های تحریف تاریخ اسلام می پردازیم.

1 - شیوه نگارش : شیوه نگارش وقایع نویسی که با هدف ثبت و حفظ منقولات باشد بدون توجه به درستی یا نادرستی آن یکی از دلایل تحریف تاریخ است.

2 - اختلاف امت و گرایش های فرقه ای

3 - وجود انگیزه ها و گرایش های غیر واقعی

4 - تقرب به خلفا و حکام

5 - جلوگیری حکام از نگارش حقایق: حکام و خلفا در دوران بنی امیه و بنی عباس نقش عمده ای در تحریف تاریخ داشتند. معاویه و کارگزارانش نام کسانی را که از علی حدیث فضیلتی نقل می کنند از دیوان حذف و او و

خاندانش را از مزایای جامعه اسلامی محروم می کردند. بر عکس اگر فضیلتی درباره عثمان و دیگران بنویسند از همه ی مزایا برخوردار شوند. این ابی الحدید از ابوجعفر اسکافی نقل می کند که معاویه گروهی از صحابه و

گروهی از تابعین را به جعل اخبار زشت درباره علی و طعن و برائت از او وادار کرد.

6 - تأثیرپذیری مسلمانان از روش علمای اهل کتاب:

¹⁶ همان ص 21

¹⁷ همان ص 22

¹⁸ همان ص 22

¹⁹ علی اکبر حسینی، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران انتشارات دانشگاه پیام نور ، چاپ اول، 1385، ص 8

²⁰ همان ص 15

- 7 - تعصبات قومی و مذهبی- 8- دشمنی و انتقام از اسلام برخی از علمای یهود- نصارا- محبوس و دیگر فرقه ها به دلیل کنیه توزی، قصص غیرواقعی را به اسلام نیت می دادند. مانند کعب الاحبار- وهب بن منبه- این جرع
- 9- منع تدوین حدیث منع تدوین حدیث زمان ابوبکر مشروع و زمان عمر با شدت تمام دنبال شد.²¹

بخش دوم

نحوه پیدایش شرق شناسی . اهداف . رویکردها . شخصیت‌های مهم شرق شناسی و نقد آن /جهان در عصر بعثت اوضاع فرهنگی . اجتماعی .سیاسی. خانواده مذاهب در ایران

شرق شناسی (خاورشناسی):

تعریف

دهخدا: پژوهش‌های دانشمندان غربی در باره ملل، تمدن، مذاهب، ادبیات زبان و تاریخ مشرق زمین را شرق شناسی گویند(لغت نامه دهخدا ج6 ص9473 و نمایه خاورشناسی ج9)

ادوارد سعید: هرکس که به تدریس نوشتن- و پژوهش پیرامون شرق بپردازد چه انسان شناسی و چه جامعه شناسی و یا تاریخ، شرق شناس خواهد بود .

بین این دو تعریف تفاوت‌هایی وجود دارد از جمله در شخص شرق شناس اسرت که طبق تعریف ادوارد سعید افراد معلم و نویسنده را در بر گرفته است و حال آنکه کسی به آنها مستشرق اطلاق نمی کند. و از این نظر تعریف دهخدا دقیق تر بنظر می رسد.

شرق شناسی در ادوار مختلف انجام شده و هر دوره موضوع خاصی داشته و آنها معتقدند ما با تحقیقات خودمان نکات و زوایای پنهان شرقیان را عیان و به آنها معرفی کرده ایم .

تاریخچه پیدایش

برخی سال 1312 میلادی سال تولد شرق شناسی می دانند

مبتکر شرق شناسی را ریمون لول می شناسند. او معتقد بود برای فهم معتقدات و فرهنگ اعراب و مسلمانان باید زبان عربی را خوب یاد گرفت و آنگاه براحتی بین آنها نفوذ کرد(شرق شناسی ادوارد سعید)

جمعی پطروس آلفونسی یهودی مسیحی شده را اولین نفر معرفی کرده اند و این در زمان حضور مسلمانان در آندلس بوده.

در اواخر سده 19 بطور علمی و نظام مند تعدادی شرق شناس و ایران شناس در غرب تربیت یافتند اما اتفاقات و انقلاب های سرزمین های اسلامی ضرورت مطالعه روی اسلام و مسلمین و توجه به مشرق را بالا برد.

اهداف

1-دینی /تبشیری

به اعتقاد برخی از محققین مانند(رودی باروت) و ادوارد سعید عمده هدف آنها متقاعد کردن مسلمانان برای ورود به مسیحیت از راه اثبات باطل بودن اسلام با استفاده از فرهنگ و زبان عربی، بوده است .

آنها اصرار دارند که اسلام ترکیبی از فرهنگ جاهلی، یهودی و مسیحی است .

نقد

✓ اگر اسلام بر گرفته از فرهنگ جاهلی است چرا در غالب موارد جاهلیت را با شدیدترین عبارات آن را نقد و رد کرده است.

²¹ (محمد نصیری ،تاریخ تحلیلی صدر اسلام،قم، نشر معارف، چاپ یازدهم، 1385،ص37-38

- ✓ به زعم اینها اسلام برگرفته شده از دین یهودیت یا مسیحیت، است. و حال آنکه پیامبر اکثر عمر خود را در مکه گذراند و در آنجا اهل کتابی نبود تا از او تاثیر پذیرفته باشد
- ✓ قرآن در آیات متعدد نسبت به یهود مواضع تند اتخاذ کرده و آنها را نقد یا رد می کند. اگر متاثر از آنها بود نباید چنین آیاتی می داشت (بقره - آل عمران - ماعده - احزاب - حشر)
- ✓ در برابر مسیحیان نیز در موضوعاتی مانند (قتل مسیح - اندیشه تثلیث - اعتقادا به خدا بودن مسیح - مباحله) موضع گیری کرده و آن را باطل اعلام کرده است و حال آنکه اگر اسلام و قرآن بر گرفته از مسیحیت باشد نباید چنین موضعی می گرفت
- ✓ به همین دلیل ریچولد نیکلسون در کتاب تصوف اسلامی در رابطه انسان با خدا می گوید (اگر مستشرقی گفت ماست سفید است همیشه جای این احتمال را در ذهن خود نگاه دارید که یا ماست اصلا سفید نیست یا اثبات سفیدی ماست مقدمه ای برای رد کردن سیاهی ذغال است .

2- استعماری

3- تجاری و اقتصادی

4- علمی شناخت فرهنگ بشری

سیاست های استعماری غربیان سبب شده تا شرقیان شرق شناسی را ابزاری برای پامال کردن میراث فرهنگی ارزشی و دینی خود به شمار آورند (صحیفه نور - ج 1 ص 1529)

به همین جهت اصل حاکم در خصوص فعالیت شرق شناسان و یکرد تبشیری و استعماری بوده و با دید منفی به آن نگریده می شود.

جهان در عصر بعثت

برای اینکه بخوبی بتوان در خصوص مساله تاثیر پذیری اسلام از آیین های موجود در زمان ظهور اسلام قضاوت درست داشت به عنوان یک ضرورت باید شناخت ولو سطحی از اوضاع آنروز پیدا نمود. به همین جهت مروری گذرا به 3 جامعه آنروز (ایران - جزیره العرب - روم) به عمل می آید.

ایران در عصر بعثت

یک از دو همسایه بزرگ جزیره العرب بود و بیش از 140 میلیون نفر جمعیت داشته و شامل عراق - قفقاز - بخارا - سمرقند - خوارزم و غزنه می شده (مروج الذهب ج 1 ص 176)

با اینکه از یازده قرن قبل از اسلام حکومت داشته و یکی از دو قطب حکومت محسوب می شده اما بدلائل متعددی در آستانه ظهور اسلام ناراضیاتی فراگیر و حکومت مرکزی بشدت ضعیف شده بود (تاریخ تمدن ویل دورانت ج 9 ص 22)

اجتماعی

حقوق اجتماعی و روابط انسانی بر اساس طبقات تقسیم شده بود و هر فرد می توانست فقط در درون طبقه خود رشد و از مواهب آن بهره مند گردد. و طبقات در آن زمان به این شرح تقسیم شده بود:

سلاطین (فوق طبقه)

روحانیان (موبدان): نگاهی از آتش - تعلیم و تعلم - رفع خصومت بین مردم - کار ثبت اسناد و بالاخره تعیین پادشاه از بین شاهزاده ها از جمله وظایف آنها بود.

کارمندان (دبیران)

نظامیان (ارتش تاران)

کشاورزان (واستریوشان)

پیشه وران (هوتخشان)

طبقه بندی فوق شرائطی را بوجود آورده بود تا در امپراطوری ساسانی همه چیز در اختیار یک در صد افراد جامعه قرارداشت باشد. چرا که فقط دو طبقه اخر تولید کننده و بقیه مصرف کننده بودند .

حکومت

1-حکومت ایران در عصر ساسانیان بصورت پادشاهی و موروثی ودر دست خسرو پرویز بود که با خلع پدرش به حکومت رسید و 38سال حکومت او بطول انجامید تا او هم بوسیله پسرش شیرویه برکنار و استیضاح شد.

2-او بدلیل موفقیت هایش خیلی مغرور شده بود

3-خودرا از نژاد خدا می دانست

4- پادشاهی موروثی ومنحصرا در اختیار طبقه خودشان بودواز طبقات دیگر تهدیدی وجود نداشت .

5- آنهافعال مایشا در حکومت بودند.

6-از حیث اخلاقی بسیار خوشگذران بودند (تاریخ طبری : او علاوه بر هزاران دختر، خادم، مغنیه، هزاران زن در حرمسرا داشت .) به همین دلیل پسرش شیرویه اورا به 3 جرم استیضاح کرد که یکی از آنها ظلم به زنها بود.

7-زراندوزی و کاختهای متعدد که اخبار متعددی از آن نقل شده مانند هفت گنج که دستمایه فردوسی قرار گرفته است

8- رواج داشتن طبقات اجتماعی

خانواده.

مرد ریاست مطلق داشت

اصل تعدد زوجات حاکم بود

حجاب در اشراف به شدت رواج داشت

ازدواج با محارم طبق تعالیم دینی رواج داشت(زن در ایران باستان هدایت الله علوی)هرچند(زردشتیان امروزان را انکار می کنند ولی با دلایل موجود قابل انکار نیست . کاووس پسر قباد محصول ازدواج با خواهر زاده اش بود-اردشیر دخترش را بزنی گرفت - ایران در زمان ساسانیان موارد متعددی را نقل می کند)

زن در زمره وسایل زندگی به شمار می آمد پدرمی توانست کودکان خودرا از خود براند و یا مثل برده بفروشد. شوهر می توانست همسر یا یکی از همسرانش را بی آنکه در انجام وظایفش کوتاهی کرده باشد، به مردی دیگر بسپارد تا از خدماتش بهره گیرد(زن در حقوق ساسانی ص12)

مذاهب

دین های رایج عبارت بود از:

زردشتی-مانوی-مزدکی- یهودی-صابئی

زردشتی

دین رسمی ایران بود

پیامبر آن زردشتنام داشت. او هفت قرن قبل از میلاد در غرب ایران متولد شد. و بعداز تحصیل و انزوا حالت مکاشفه به او دست داد. بر اساس نوشته های تاریخی، فرشته وهومنه برای اولین بار با او تماس گرفت و او را به معراج برد و اهورا مزدا او را به پیامبری برگزید. او بعداز بازگشت چون در محل زندگی خودتوفیقی بدست نیاورد به شرق رفت و با شاه گشتاسب مواجه شد. شاه بادیدن معجزاتی به او ایمان آورد و در نهایت به عنوان دین رسمی و مورد حمایت حکومت ایران انتخاب کرد.

کتاب مقدس

درخصوص مدون شدن کتاب مقدس زردشتی ها بین صاحب نظران اختلاف رای وجود دارد. برخی تدوین آن در زمان حیات زردشت را قبول دارند و برخی هم معتقدند قرن‌ها بعد از وفات او این اتفاق افتاده است.

زردشتیان 2 کتاب معروف بنام گلتاها و اوستا دارند

گاتاها کتاب عقایدی آنهاست و احتمال داده شده که در زمان خود زردشت تدوین شده باشد. اما اوستا کتاب احکام زردشتیان است و گفته شده حداقل دوبار منقرض شده، یک بار در زمان حمله اسکندر بود که بعد از مدتی بدستور شاپور دوم شورای بزرگی از موبدان را مامور کرد تا اوستای منسجمی را تدوین کردند

دفعه دوم را به حمله مسلمانها نسبت می دهند. اما این حرف بدلائل متعددی نمی تواند واقعیت داشته باشد چرا که :

1-قرآن دین زردشت را در آیه 17 سوره حج در ردیف ادیان آسمانی برسمیت شناخته است (ان الذین آمنواوالذین هادواوالصابئين و النصرى و المجوس و الذین اشركوا ان الله یفصل بینهم یوم القیمه) و افرادی هم که در حمله به ایران مشارکت داشتند چون برخی از آنهاحافظ قرآن و از اصحاب پیامبر بودند بطور حتم از این آیه اطلاع داشتند و پذیرش تخلف از آن قابل باور نیست.

2-مسلمانها قبل از ایران به شام رفته بودند ولی هیچ گزارشی مبنی برکتاب سوزی آنهاگزارش نشده است.

3- با توجه به تعالیم قرآن و اسلام مسلمانها موظفندبه اعتقادات افراد احترام بگذارند .

4-مضافا به اینکه فتوحات در طی سالیان متمادی صورت گرفته و تعداد اندک مسلمانهای مهاجم و جمعیت و گستردگی زیاد ایرانیان احتمال عملی شدن جمع آوری و از بین بردن اوستا، بگونه ای که حتی چند نسخه از آن باقی نمانده باشد، راغیر قابل تصور می نماید.

5- کریستین سن معتقداست با وروداسلام به ایران این خود موبدان بودند که کتابها را بدلیل وجود خرافات زیاد در آن، جمع آوری کردند تا آن را مجددا بازنگری و اصلاح نمایند.

مانوی

مانی در سال 215 در یکی از روستاهای بابل بدنیا آمد او که شخصی پرکار و نقاشی چیره دست و ادیب بود موفق شد تاخط سریانی را بجای خط پهلوی رواج داد او کتابهای زیادی از جمله(شاهپورگان-کفلایه-کنز الاحیاء-رساله الاصل و...) نوشت.

او بعد از تحصیلات متعارف مطالعات وسیعی در ادیان نمود و بعد از آن از هر دینی بخشی را انتخاب کرده و خود را با عنوان پیامبر و صاحب شریعت جهانی معرفی کرد .

آیین مانی بدلیل فرصت طلبی و سازش با حکام و قابلیت رنگ عوض کردن، خیلی سریع در اروپا و آسیامنشر شد

بالاخره بهرام اول در سال 276مانی را بجرم ارتداد اعدام و آیین او را غیر قانونی اعلام نمود. اما بااین وجودتا ظهور اسلام آیین او رواج داشت.

مزدکی(درست دینان)

شخصی به نام زردشت از پیروان مانی که اهل فسای فارس بود در رم آیین جدید را بوجود آورد و بعد از آمدن به ایران به تبلیغ آن پرداخت.

دو قرن بعد شخص دیگری به نام مزدک با استفاده از زمینه مساعد جامعه که مملو از فساد و نارضایتی بود انقلاب بزرگی برآه انداخت .

قیاد با وجود آنکه پادشاه ایران بود، اما بدلیل ناراحتی از موبد ها او را حمایت کرد.لکن این رفتار قباد برای اعلمن خوشایند نبود و آنها با کمک موبدان قیاد را سرنگون کردند وحتی پسرش کاووس را هم که به مزدکی ها گرایش داشت از تخت محروم کردند و تنها زمانی که قباد تعهد داد تا از مزدک حمایت نخواهد کرد اجازه یافت تا مجددا بر تخت بنشیند و پس از آن با تدبیر وزیرش طی نقشه ای آنها را به قتل رساند و بقایای آنها هم با ظهور اسلام از بین رفتند.

مزدکی ها در جهان بینی خوداعتقاد به عدالت و مساوات داشتند اما در عمل رفتار آنها باعث از بین رفتن امنیت شده بود

کریستین سن در کتاب خود رفتار آنها را چنین توصیف کرده است: (شورشیان داخل خانه نجبا و اشراف می ریختند و دست به غارت اموال و تصرف زنان می زدند درگوشه و کنار املاک و اراضی را به تملک گرفته و ویران می کردند) .

جمع بندی

تضاد طبقاتی-تمرکز قدرت و ثروت-انحرافهای اخلاقی-نابهنجاریهای جنسی-بوجود آمدن بچه های بی هویت-به زنجیر کشیده شدن اندیشه ها، سست شدن نظام خانواده و ورشکستگی افکار دینی و... باعث شده بود تا مردم به ستوه آمده و آماده تحولی همه جانبه در جامعه خود شوند و به همین دلیل بود که ایرانیها از اسلام استقبال کردند.

بخش سوم

جهان در عصر بعثت/اوضاع اجتماعی فرهنگی، حکومت، خانواده، مذهب، اقتصادی در جزیره العرب و روم باستان

/مقایسه 3 جامعه با هم

جزیره العرب در عصر بعثت

جزیره العرب از آن جهت که خواستگاه اسلام بوده و نبی مکرم اسلام در آن سرزمین رشد و نمو کرده بود مورد اهتمام و توجه قرار گرفته است و شناخت این سرزمین و واقعیتهای آن می تواند شرائط مقایسه تعالیم اسلام و جاهلیت را برای هر محققى فراهم نماید. لذا به همین جهت تنها به زوایایی از وضعیت آن جامعه پرداخته می شود.

جغرافیایی:

حدود 3 میلیون متر مساحت دارد و بزرگترین شبه جزیره جهان است هنوز بخشهایی از آن بدلیل طوفانهای شن و زمین کویری شناخته نشده است.

در حال حاضر به نام عربستان سعودی خوانده می شود نسبت به زمان ظهور اسلام، چند کشور از آن جدا شده است (یمن-عمان-امارات متحده-قطر-کویت)

جنوب جزیره العرب، مجاور دریای عرب واقع شده و شرق آن مجاور خلیج فارس و غرب آن مجاور دریای سرخ است با وجود اینکه 3 طرف آن را آب احاطه کرده اما بجز بخش اندکی در جنوب که یمن گفته می شد بقیه قابل سکونت نبود.

در سرزمین جزیره العرب راه ارتباطی اعراب وادی نام داشت و آن دره های کوچکی بود که در لابلاهی کوهها قرار داشت و از آن طریق بخشهای مختلف شبه جزیره به هم وصل می شد.

/اوضاع مردم

بنا بر مستندات تاریخی فقط یک ششم مردم حالت شهرنشینی داشت که در بخش جنوب و شمال و شمال غربی سکونت داشتند. و بقیه مردم صحرا نشین بودند.

هرچند، شهرنشینیهای آنها هم بنوعی خوی بیابان نشینی بر رفتارشان حاکم بود و شاید علاوه بر موقعیت بد جغرافیایی به همین دلیل بود که هرگز مورد هجوم جهانگشایان واقع نشدند.

فرهنگ و آداب و رسوم

خصوصیات اعراب قبل از اسلام اینگونه توصیف شده است

1-تابع قبیله و از هیچ نظم و قانونی و رای آن تبعیت نمی کند.

2- خارج از قبیله بادیگران بصورت ناسیونالیست افراطی رفتار می کند و از (کشتار-غارت-دروغ-خیانت-دزدی-هتک ناموس-خیانت و...) ابائی ندارد.

3-با این که مهمان نواز و قانع توصیف شده اما با این وجود بشدت عصبی، جنگجو و سخت جان بوده است

4-همدم او شتر و شعر است و برای شتر بیش از هزار نام ذکر کرده اندبا این وجود تعداد افرادی که قادر به نوشتن باشند بسیار محدود بوده است.

5-روحیه سلحشوری داشته.

6-وفای به عهد، بخشندگی و مهمان نوازی، صراحت لهجه حافظه قوی ، آلودگی به عنوان گناهان شرم آور که آنها از آن شرم نمی کردند، مانند می گساری ، قمار ، فحشا از دیگر ویژگیهای عرب جاهلی بیان شده است.

حکومت

در جزیره العرب حکومت در قالب قبیله شکل گرفته بود و عرب جاهلی تابع هیچ نظم سیاسی به غیر از قبیله نبود

و قبیله هم تشکیل شده از چند خانواده بود که از حیث سبب یا نسب با هم ارتباط پیدا می کردند و تحت ریاست شیخ قبیله که معمولا پیرمردی بود که بدلیل کهنسالی، شجاعت ، تنبیر و جوانمردی مقبولیت لازم را کسب کرده بود اداره می شد، و او وظیفه داشت علاوه بر مدیریت قبیله در جنگها فرماندهی و در دعاوی بین افراد قضاوت و رفع خصومت بنماید .

هرچند انتساب به قبیله از طریق خون انجام می شد اما در مواردی نیز از طریق خوردن غذا یا مکیدن شیر به عنوان پسر خوانده ، به عنوان عضو قبیله مورد پذیرش قرار بگیرند.

تعصب قبیله‌گی

از آنجا که فرد در خارج از قبیله برای خود هیچ چیز مورد علاقه ای نداشت و مرتب از طرف آنها تهدید می شدو قبیله تنها حامی فرد محسوب می شد. به همین خاطر عضو،مجبور بود که فقط به آن دلبستگی داشته باشد و در راستای حفظ و عظمت آن هر کاری را که می تواند انجام بدهد.

تردد عضو قبیله

بزرگترین مصیبتی که فرد می توانست با آن تنبیه شود تردد شدن از قبیله بود، چرا که متعاقب آن بدلیل بدون حامی شدن فردتردد شده ، قبایل دیگر می توانستند او را به بردگی برده یا به قتل برسانند.

جنگ قبیله‌گی

معمولا گفته شده بدلائل متعددی بین قبایل مختلف جنگ واقع میشد که به تعدادی از آنها اشاره می شود.

1-بدست آوردن چراگاه

2-از روی تعصب و خونخواهی

3-طبیعت منطقه و ارتباطی که جغرافیا با اخلاق فرد دارد و آنها را جنگجو بار می‌آورد.

4-انتقام از قبایل متعددی

خانواده

نگاه عرب جاهلی به زن و دختر یک نگاه شیئی انگارانه و غیر محترم بود و این نگاه را می توان در رفتارهای متعددی از آنجمله در ازدواج و طلاق و یا هنگام تولد دختر از خود نشان می داد ،مشاهده کرد

قران در آیات 58 و 59 سوره نحل چنین می گوید(اذابشر احدهم بالانثی ظل وجهه مسودا و هو کظیم یتواری من القوم من سوئ ما بشر به ایمسکه علی هون ام یدسه فی التراب الا سائ ما یحکمون)

ازدواج

وجود مقررات حقارت بار در مورد زنها بخوبی گویای جایگاه زن در جامعه جاهلی می باشدکه به مواردی از آن اشاره می شود

1-در سن 8 یا 9سالگی ازدواج می کرد.

2-رضایت پدر و پرداخت بهای عروس شرط است.

3-زن به عوان کالای مرد بشمار می رفت .

4-ازدواج با زن پدر مجاز بود .

5-در صورتیکه مرد در جنگ شکست می خورد زن او به فاتح تعلق پیدا می کرد.

6-ازدواج با محارم و دختران قبیله دیگر بجز برای مردان قریشی مجاز نبود .

7-انواع متعدد ازدواج رواج داشت

مانند ازدواج صداق که همان ازدواج متعارفی است که با تعیین مهریه و نامعین بودن زمان صورت می گرفت که اسلام آن را به رسمیت شناخت و الآن نیز رواج دارد.

ازدواج متعه : در آن علاوه بر تعیین مهریه مدت زمان نیز تعریف می شد و این را هم اسلام تایید کرد

ازدواج اما ئی: به خرید و فروش کنیز گفته می شد.

ازدواج مبادله (تعویضی): در آن مردان زنان خود را باهم معاوضه می کردند

ازدواج استبضاع : طی آن مردان زنان خود را در اختیار مردانی که ویژگی خاصی مانند پهلوانی داشتند قرار می دادند تا فرزندی با صفات آن مرد داشته باشند .

ازدواج رهط: طی آن چند مرد با یک زن ازدواج می کردند .

طلاق

در همین رهگذر طلاق نیز وضعیت مشابهی داشت و بطور نامناسب و غیر منصفانه اجرا می شد. بطوریکه فاقد مقدمات و شرایط بود. مرد می توانست بدون هیچ بهانه ای زن را طلاق بدهد و هیچ پیامدی از قبیل هزینه و نفقه نداشت .

انواع طلاقهایی را که عنوان کرده اند عبارت بوده از طلاق ظهار یعنی مرد به زن می گفت تو مثل خواهر و مادر من هستی و با گفتن این عبارت زن تا ابد مطلقه میشد طلاق ایلا: طی آن مرد قسم می خورد تا زن را بلا تکلیف بگذارد و نوع دیگر آن طلاق ضرار بود که مرد زن را با طلاق و رجوع های مکرر اذیت می کرد .

زنه بگورکردن دختر

باید توجه داشت رسم زنه بگور کردن دخترگرچه گفته شده عمومیت نداشته فقط در قبایل بنی اسدوتمیم اتفاق می افتاده است و لکن از آنجا که پیامبر اکرم در پیمان عقبه در سال 12 بعثت از مردم مدینه عهد می گیرد که دست از این کار بگیرند نشان می دهد محدود به موارد کمی نبوده است.

اما انگیزه انجام این عمل هرچه بوده باشد میتواند در کنار نوع ازدواج و طلاق ، میزان تنفر عرب جاهلی از نوع زن را به نمایش بگذارد.

مذهب

دین اصلی جزیره العرب توحید و ابراهیمی بوده اما بعدا عوض شده و در زمان بعثت فقط برخی دستورات آن مانندختنه-کفن و دفن میت و عدم ازدواج با محارم و حج بیت الله باقی مانده بود .

یعقوبی برای جزیره العرب در آستانه بعثت هشت دین را برشمرده است که مهمترین آنها دهریت یا بت پرستی و بعد از آنها حنفا – مسیحیت-یهودیت وصابئین بوده است .

چگونگی حضور ادیان و پیروان آنها

یهودی

حضور آنها در جزیره العرب را برخی از قبل از میلاد و زمانی که اورشلیم تخریب شد می دانند و برخی نیز آن را بدلیل اخراج امپراطور روم یا بخاطر اینکه می دانستند پیامبری در این سرزمین مبعوث خواهد شد و برای درک او آمدند، دانسته اند . هرچند بعد از حضور آنها در این سرزمین، مردم یمن و عده ای از اوس و خزرج به آنها گرویدند. اما با این وجود توسعه چندان پیدانکرد . علت آن را می توان به نژاد پرستی این قوم مرتبط دانست چرا که بر اساس تعالیم این دین صرفاً کسانی که از طریق خون با یهودیان نسبت داشته باشند می توانند پیروی دین یهودی را بپذیرند. از طرف دیگر عدم جذابیت دین مذکور هم به عنوان علت دیگری برای عدم توسعه آن معرفی شده است.

قرآن طی آیات متعددی اخلاق و رفتار یهودیان را مورد مذمت قرار داده و در زمان پیامبر نیز به همین دلیل جنگهای متعددی بر علیه آنها واقع شد بگونه ای که اکثر آنها بصورت تبعید از جزیره العرب اخراج شدند

مسیحیان

حضور اولین هیئت مسیحی به سال 356 میلادی مربوط می شود که توسط کونستانتینوس به آن سرزمین اعزام شدند و هدف از اعزام آنها به رقابت روم با ایران بر می گشت و کلیسای هم در سرزمین حمیریان توسط آنها ساخته شد. اما آشنایی جدی مردم با مسیحیت در سال 500 میلادی بوسیله فیلمون قدیس اتفاق افتاد. اما با این وجود بدلائل متعددی از قبیل رقابت یهودیان-نزاعهای فواگیر مسیحیان بر سر ماهیت عیسی -نفوذ زرتشت- و ورود بت پرستی به جزیره العرب مسیحیت توسعه چندان پیدانکرد.

برخورد اسلام

گرچه در قرآن از مسیحیت بخاطر حق گرایی به نیکی یاد شده اما بخاطر موضوعاتی مانند تثلیث و ماهیت عیسی مورد مذمت واقع شده اند و در قرآن بیش از یک مورد که آنها را مربوط به مباحثه می شود مطلبی راجع به آنها گفته نشده است.

بت پرستی

اطلاق واژه دین به بت پرستی یک حرف مجازی است. چرا که برای یک دین داشتن پیامبر و کتاب ضروری است اما در بت پرستی هیچ کدام از اینها وجود ندارد.

به هر صورت بت پرستی در جزیره العرب رواج داشت و اتفاقاً نسبت به سایر ادیان موجود، پیروان زیاد تری را بخود جلب کرده بود.

گفته شده اولین کسی که بت پرستی را در جزیره العرب وارد کرد شخصی به نام عمرو بن لُحی بود. او در سفری به شام جمعی را مشاهده کرد که مشغول بت پرستی بودند بعد از قدری تحقیق پیرامون آنها هوس کرد تا نمونه ای از آنها را به مکه بیاورد . شامیان بتی به نام هبل که شکل انسان داشت را به او دادند و بعد از آوردن بت هبل به مکه با استقبال مکیان مواجه شده و در زمان کوتاهی رواج پیدا کرد و بعدها با شکل های مختلفی چون حیوان، گیاه، انسان، جن و ستارگان از سنگ و چوب و گل ساخته شد.

سوالی که باعث به آن پرداخته شود این است که چرا مردم مکه با اینکه پیروان دین حنیف بودند از آن روی برگردانده و به سمت بت پرستی متمایل شدند.

برخی نویسندگان چند علت را برای آن بیان کرده اند. (رسول جعفریان در سیره رسول خدا ص 180)

مردم در مسافرت سنگی از کعبه را به همراه خود می بردند و دور آن طواف می کردند و این کم کم بت شد.

مجسمه برخی از افراد محترم که می بردند را می ساختند و به آن احترام می گذاشتند اینها به مرور زمان تبدیل به بت شد.

اختلاف قبایل و فخر فروشی بین آنها باعث شد تا دامنه مسابقه به مسائل عبادی کشیده شده و بتها به وجود آمد.

جهالت و پیروی کورکورانه مردم از بزرگان و افراد بانفوذ باعث گرایش مردم و گسترش بت پرستی شد.

روم باستان در عصر بعثت

امپراتوری روم شرقی

اوضاع حکومت

همسایه شمالی جزیره العرب، امپراتوری بیزانس بود که شامل آسیای صغیر، مصر، اروپا، آفریقا و بخش عمده ای از اروپای فعلی می شد.

پایتخت آن قسطنطنیه (استانبول کنونی) بوده است. که در سال 1453 به تصرف مسلمانها و عثمانیها در آمد.

امپراتور معروف در قرن ششم یوستینیانوس بود.

همکار معروف او تنودورا بود و مدت 40 سال حکومت کرد.

حادثه نیکا مهم ترین حادثه آن دوران بوده است.

شرح ماوقع

دو گروه رومی مانند تیمهای ورزشی با اسب، که هر کدام از تیم ها دارای طرفداران زیادی بودند، مسابقه می دادند. و در یکی از مسابقه ها که امپراتور هم حضور داشت و تیم مورد علاقه او پیروز شد شکست تیم مقابل باعث بروز شورش و کشیده شدن دامنه آن به جامعه و سیاست شد و نزدیک بود امپراطوری سقوط کند که با دخالت تنودورا امپراتور با قتل و عام 30 هزار نفر مجدداً حکومت را جمع و جور کرد. او بعد از این واقعه بیش از 50 جنگ براه انداخت و کشور گشایی زیادی نمود. اما بعد از مرگ او بدلیل خالی بودن خزانه و فشارهای زیادی که بر مردم وارد کرده بود، حرج و مرج شدیدی بوجود آمد و در نتیجه امپراطوری از هم پاشید و باعث شد تا زمینه پذیرش از اسلام فراهم شود.

اوضاع اجتماعی

روابط اخلاقی

در روم باستان روابط جنسی شایع بود بطوری که برخی مورخین معتقدند تمام زنان آن زمان آلوده بودند.

اما زنها از نظر آزادی و دخالت در امور حکومت از مشارکت در تعیین سرنوشت خود محروم بودند.

تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت رواج داشت و مقاطع.

ابتدایی بوسیله معلمین خصوصی با مزد کم

سطوح عالی به وسیله مدرسین مستقل و استادانی که حقوق خود را از دولت می گرفتند، اداره می شد.

و دانشگاهها در شهرهای اسکندریه- آتن- قسطنطنیه- انطاکیه بود و رشته های طب - فلسفه - ادبیات- علم بیان در آن تدریس می شد.

طبقات اجتماعی :

همانند ایران جامعه روم باستان به چهار طبقه اشراف- شوالیه ها- بردگان- متوسط تقسیم می شد.

اشراف و شوالیه ها از راه مالکیت زمین و بازرگانی بسیار ثروتمند و زندگی تجملی بپوشیدن لباس متمایز بودند. اما سایر طبقات گرفتار مالیات های سنگین و مزد کم بودند. بطوری که بار مالیات ثروتمندانی که با دادن رشوه فرار می کردند به آنها تحمیل می شد.

مامورین وصول مالیات برای گرفتن مالیات از زندان و شکنجه استفاده می کردند. و این مساله در کنار سایر عوامل در افزایش نارضایتی موثر بود.

اقتصادی:

تجارت و صنعت : از قرن پنجم قسطنطنیه بزرگترین بازار و مرکز کشتیرانی جهان بود و با ایران به شدت رقابت می کرد.

دهقانان : در زمان یوسیتیانوس دهقانان می توانستند زمین داشته باشند اما بتدریج بدلایلی مثل جنگ، مالیات، حوادث طبیعی به تابعیت زمین داران بزرگ در می آمدند.

بردگان و کارگران : کارگران صنعتی آزاد بودند اما برای فرار از گرسنگی جبراً تن به کار با مزد کم می دادند.

بردگان در کار داخلی خانه ها و نساجی کار می کردند.

مذهب:

قسطنطین امپراطور رم در سال 313 از بت پرستی به مسیحیت گرائید. و تمام سرزمین بعد از مدتی مسیحی شد. این زمان مبدا قرون وسطی که ویژگی اصلی این دوره 1000 ساله عبارت بود از:

رکود علم و فلسفه اروپایی

انحصار علم در کلیسا

اختناق فکری

جلوگیری از هر گونه تحقیق و فکر آزاد و جهانشناسی و کشف آثار طبیعت

قتل علمای مذهبی

مناقشات بی اساس

حل شدن فلسفه در مذهب

اختلاط بت پرستی و مسیحیت

قبل از مسیحیت دین رومی ها بت پرستی بود و وجود بتکده های متعدد و خدایان رومی ضرب المثل بود.

ه اعتقاد محققین با گرایش رومیان به مسیحیت بت پرستی در بوابر خداپرستی مسیحی خاضع نشد بلکه مسیحیت تسلیم بت پرستی شد.

و.م میلر در کتاب تاریخ کلیسای قدیم می نویسد

در قرن چهارم بسیاری از بت پرستان داخل کلیسا شدند بعضی برای نفع شخصی یا شهرت به مسیحیت توجه پیدا کردند. این اشخاص بعضی از موهومات و رسوم و اعتقادات بت پرستی سابق خود را نیز همراه آوردند.

اناجیل متعدد

حضرت مسیح در زمان حیات خود 12 حواری داشت که هیچ یک از آنها انجیل ننوشته اند بلکه مومنین که شاگردان حواریون محسوب می شدند اقدام به این کار کرده اند. در نتیجه چندین نوع انجیل بوجود آمده که برخی از آنها که معروفند عبارت است از:

مرقس قدیم ترین و کوتاه ترین انجیل است. این کتاب در سال 70 تا 65 میلادی در انطاکیه نوشته شد.

اینهامی گویند عیسی موجودی مافوق انسان و فرزند انسان است که خدا او را به هنگام تعمید به فرزندگی برگزید.

متی

لوقا

یوحنا

برنابا

جمع بندی:

خودکامگی، تبعیض نژادی، انحطاط اخلاقی، جنگ های توان فرسا، فاصله بین طبقات اجتماعی، رفتار ماموری دولتی از جمله علل نارضایتی عمیق مردم رُم در آستانه ظهور اسلام، را تشکیل می داد.

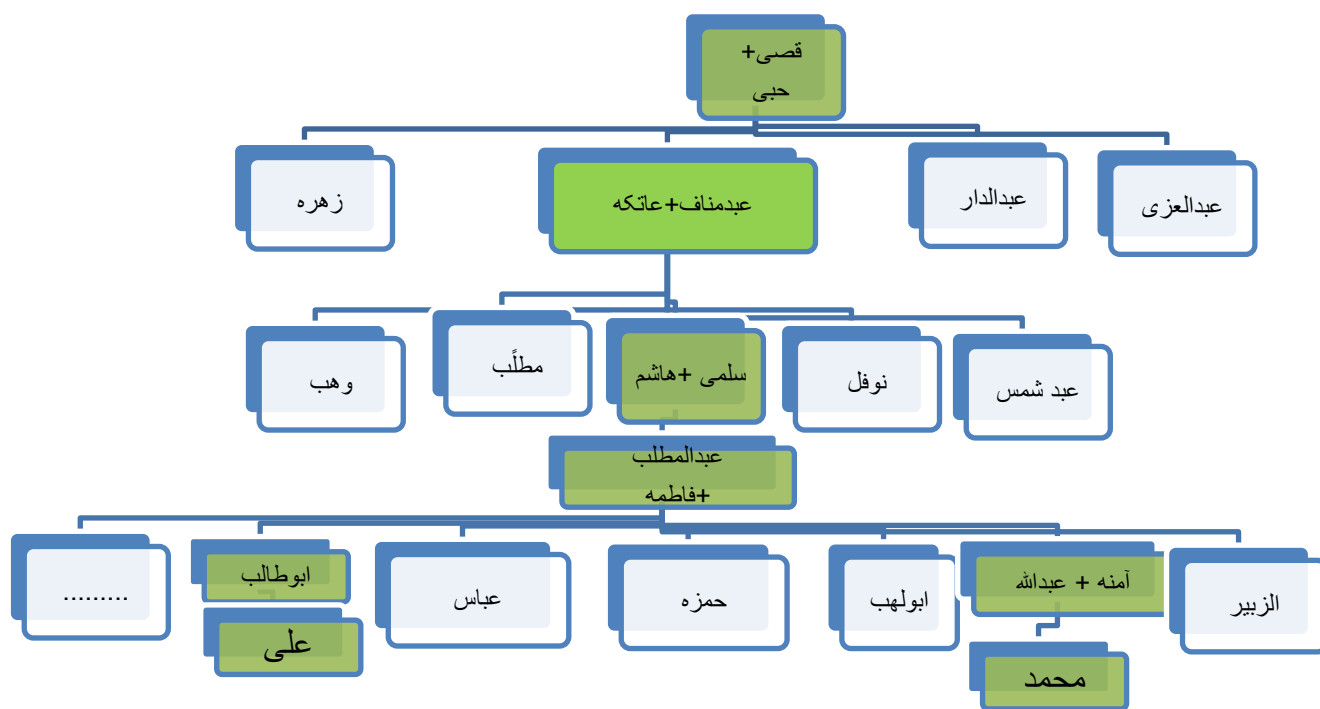
مقایسه 3 جامعه با هم

با نگاهی اجمالی به زندگی سه جامعه ایران، روم و جزیره العرب براحتی می توان اذعان کرد نقاط مشابه زیادی در این سرزمین ها وجود داشته، و با وجود تفاوتی که با تعالیم اسلام دارند، نمی توانسته اند خواستگاه تعالیم اسلام بوده باشند. و در پی این واقعیت اثبات می شود که پیامبر اکرم (ص) رسول خدا بوده و او ابلاغ کننده شریعت الهی و رساننده امین آن بوده است.

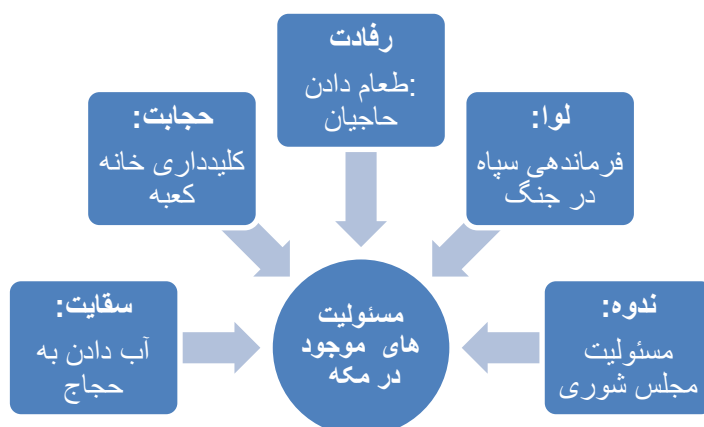
بخش چهارم

زندگی پیامبر قبل از هجرت (شجره نامه/ تولد/ دوران کودکی/ دوران جوانی/ / حلف الفضول/ نصب حجر الاسود/ ازدواج

شجره نامه



پستهای موجود در مکه قبل از ظهور اسلام



میلا در 40 سال قبل از بعثت و مصادف با تهاجم ابرهه به مکه واقع شده است اما در مورد روز آن نقلها مختلف است و بنا بر اعتقاد شیعه هفدهم ربیع الاول و در روز جمعه تولد حضرت واقع شده است و عام الفیل به تاریخ میلادی معادل سال 570 بوده است .

حسب و نصب پیامبر اکرم به ترتیب از قصی شروع شده و از طریق عبد مناف و عاتکه ، هاشم و سلمی ، عبدالمطلب و فاطمه ، عبدالله و آمنه

حسب و نسب پیامبر اکرم (ص) به ترتیب عبارت از قصی - عبد مناف هاشم و عبدالمطلب و عبدالله هست .

همگی این افراد در جامعه خود به عنوان شریف ترین افراد محسوب می شدند و به این حنیف متشرع بودند جهت آشنایی بیشتر مختصری راجع به احوال هر کدام توصیه آورده می شد .

1 - قصی و همسرش حمی اولین افرادی از این سلسله هستند که موفق می شوند مناسب موجود در مکه . را بدست بیاورند و دکنار ان به انجام دادن کارهایی از قبیل جمع آوری و اسکان قریش در اطراف کعبه توصیه های اخلاقی برای انجام خدمت به زوار خانه ی خدا و پیروزی و جنگ بنی خزاعی باعث شد به عظمت بی نظیری دست بیابند بگونه ای که همچون سلاطین دارای قدرت زیادی شد و هیچ کس بدون اجازه او کاری انجام نمی داد .

2 - عبد مناف یکی از فرزندان قصی بود که نام اصلی او مفیره و بعددلیل زیبایی زیاد به او قمر البصماء می گفتند . او با عاتک ازدواج کرد و حادثه مهم در زندگی او تولد هاشم و عبدالشمس بود که انها از ناحیه سر به هم چسبیده بودند و آنها را با شمشیر از ه جدا کردند و بنا به پیشگویی یک عرب همیشه در بین آن ها خون ریزی حاکم شد بعد ها این دو نفر به عنوان سران بنی هاشم و بنی امیه شناخته شدند .

3 - هاشم

نام اصلی او عمرو العلی بود اما بجهت اینکه او در سال خشکسالی دستور داد هر روز یک شتر را کشته و بین ساکنین قحطی زده مکه تقسیم کنند به او هاشم می گفتند . در زمان حیات هاشم چندین اتفاق مهم واقع شد که از ان جمله آشنا کردن مردم مکه با تجارت و اخذ امان نامه از امپراطور رم بود . در زمان هاشم که حق مقام موجود در دست فرزندان عبدالدار بود در کشاکشی فرزندان عبد مناف موفق شدند منصب از سقایت و رفادت را بدست آورند و در بین فرزندان عبد مناف نیز به قید قرعه مناسب لغب ها هاشم شد هاشم با سلمی ازدواج کرد و نتیجه ازدواج انها تنها یک پسر به نام عبدالمطلب بود .

عبدالمطلب

نام اصلی او که عامر بود او که در مدینه نزد خانواده مادرش زندگی می کرد . وقتی مطلب بدنبال او رفت و او را به باز گرداند مردم تصور کردند مطلب آن بچه زیبا را به عنوان برده خریده است لذا به او عبدالمطلب را نام دادند که خود عمرو نیز به این لقب رضایت داشت و بر روی او باقی ماند .

او که مناصب پدرش سقایت در رفادت را به دست آورده بود . در طول زندگی اش اتفاقاتی افتاد که او را علاوه بر قدرت مادی از حیث معنوی نیز در جایگاه والایی قرار داد . از جمله آنها حفر زمزم و که منجر به به دست آمدن هدایای نفیس و نزاع با قریش گردید و متقاب آن پیروزی او را در قرعه کشی در پی داشت .

صحنه دیگر در نزاع بر سر آب زمزم بود که کرامت جوشیدن آب زیر سم شتران حقانیت او را مجدد به اثبات رساند .

عبدالله

او که حامل نور حضرت محمد بود در جوانی با عنوان مصباح حرم خوانده می شد و این بدلیل نورانیت زیاد او بود عبدالله با آمنه دخ و هب ازدواج کرد و طی سفر تجارتي که به شام داشت در گذشت و عدهای معتقدند که هرگز روی پسر خود را ندید .

وفای به نذر

یکی از صحنه هایی که عظمت عبدالمطلب و اعتقاد او را به خدای واحد نمایش گذاشت جریان ذبح فرزند بود . او که قسم یاد کرده بود تا چنانچه صاحب 10 پسر شود یکی را در راه خدا ذبح خواهد کرد وقتی شرط او محقق شد خدات به نذر خود وفا کند که با مخالفت شدید مواجه شد در نهایت با قرعه کشی در برابر خانه خدا نه بتان وقتی صد شتر برای 3 بار پیاپی بجای ذبح پسر در آمد پذیرفت و به نذر خود وفا کرد .

برخی محقیقینی اشاره کرده اند وجود نذر های این چینی در آن مقطع امری متعارف بوده با حد بودن ایشان منافات ندارد .

برخی معتقدند سنت عبلت بصورت تحنت در زمان عبدالمطلب رواج پیدا کرد و با پیش آمدن جریان ابرهه که قرآن از آن در سور مسد یاد می کند عظمت و منزلت او به اوج خود رسید .

زندگی نزد دایه

برخی از مورخان اعتقاد دارند پدر پیامبر قبل از تولد او از دنیا رفته است و بعد از تولد تحت سرپرستی جد خود عبدالمطلب قرار گرفت و او بعد از عقیقه کردن گوسفند که یکی از مستحبات بعد از تولد بچه است نسبت به انتخاب دایه اقدام کرد

علت اینکه برای بچه دایه انتخاب می کردند چند امر بیان شده است از آنجمله بجهت زندگی در آب و هوای سالم کوهستانی علاوه بر اینکه از بیماریها ی متداول شهری مصون بودند از بدنی سالم هم برخوردار می شو دند و قریحه آنها با صفاتر شد وبا برخورداري از فصاحت و بلاغت در آینده برای ترقی با استعداد تر می شدند . البته در مواردی نیز بیماری مادر یا فقدان شیر یا وجود بچه های زیاد باعث می شد تا فرزند جدید به دایه سپرده شود و او به مدت 2 سال که مدت شیر دهی است از بچه نگهداری میکرد و پس از آن او را به نزد والدین کودک بر میگردداند

این مهم در مورد پیامبر نیز اتفاق افتاد و بانویی به نام حلیمه سعیدیه متصدی شیر دهی پیامبر شد === دوران او بر خلاف سایر بچه ها 4 سال به طول انجامید . در مورد علت طولانی شدن مدت شیر دهی نظرات مختلفی ارائه شده که از آن جمله می توان به نظریه ای که معتقد است ماموریت بزرگی که پیامبر بنا است تا عهده دار آن باشد اقتضای این موضوع را داشت و تحمل فراغ مادر او نیز همچون مادر عیسی یگ ماموریت الهی در این باب بود .

یتیمی

یکی از مسایل مهم در دوران کودکی پیامبر که خداوند در سوره ضحی ایه 6 (الم یجدک یتیماً فاوی) به آن اشاره می کند تحمل رنج یتیمی توسط حضرت بود او که قبل از تولد پدر خود را از دست داده بود 4سال نیز دوری از آن سایه پر مهر مادر ی را نزد دایه سپری کرد و نگاه که نزد او برگشت بعد از دو سال یعنی در 6سالگی مادر را از دست دادو در ادامه زندگی که نزد جدش عبدالمطلب بسر می برد او را نیز در سن 8 سالگی از دست داد و برای بقیه عمر خود طبق علایقی که خودش داشت نزد ابوطالب رفته و تحت سرپرستی او قرار گرفت . انگونه که قرآن بیان کرد تحمل این دردها برای تکامل پیامبر جهت عهده داری ماموریت سنگینی رسالت = لازمی بوده است.

اختلاف تاریخ

در خصوص وجه اختلاف در تاریخ دو نظر قابل توجه است

1: خوش بینانه : بر اساس این نظریه چون تاریخ از طریق کتابت بدست میرسد وجود خطا در کتابت امر بدیهی است لذا بتدریج که کتابتها با گذشت زمان بیشتر می شود وقوع اشتباه و بعد اختلافها هم زیاد میشود

2: بدبینانه: براساس این دیدگاه اختلافات در نقلهای تاریخی بقصد تخریب عامل عظمت اسلامی که همانا وحدت است اتفاق افتاده و این کار را عمده میدارند

ارهاصات

گفته شده به هنگام تولد پیامبر در جهان اتفاقاتی افتاده که گویای عظمت و بزرگی او بوده است از آن جمله به رو افتادن همه بتها . خاموش شدن اتشکده فارس بعد از هزار سال فرو رفتن کنگره های ایوان کسری و... که در علم کلام به آنها ارهاصات گفته می شود.

گفتنی است کارهای خارق العاده ای که توسط اولیا الهی انجام می پذیرد به چند دسته تقسیم می شوند.

1- معجزه: و آن به کار خارق العاده ای گفته می شود که شخص پیامبر برای اثبات نبوت خود و بنا به خواست مخاطب از طرف خداوند محقق می گردید

2- کرامت: تمام ویژگیهای معجزه را در بر دارد الا اینکه در ان اثبات نبوت وجود ندارد و معمولا از طرف اولیاء الهی صادر می شود

3- اراهاصاتکارهای خارق العاده ای است که بخاطر تولد پیامبر در عالم اتفاق افتاده و خود حضرت در آن مباشرت نداشت به خلاف معجزه که پیامبر نقش واسطه ای بین خواهان معجزه و خداوند دارد .

شکافتن سینه پیامبر

پیامبر انگاه که نزد حلیمه بود بگفته مسلم بن الحجاج از انس بن مالك (صاح مسلم ج ص 101 و السیره ترجمه ج ص 108) شاهد اتفاقی بود که دوران نزد دایه بودن او را به پایان رساند. این اتفاق به گفته انس که مدعی است خود جایی شکافته شدن را در سینه پیامبر مشاهده کرده است به این صورت بوده، که وقتی پیامبر با کودکان برای بازی از خانه خارج می شود دو فرشته ضمن نزول کودک را بر زمین خوابانده و بعد از شکافتن سینه او قلبش را در آورده و بعد از شکافتن آن لخته خونی که در قلب بوده را در آب زمزم که در تشتی طلابی قرار داشت شسته و بعد قلب را در سر جایش نهاده و مجددا سینه را بستند و رفتند. حلیمه بعد از اطلاع از مآو قع نسبت به سرنوشت پیامبر نگران شد و پیامبر را نزد مادرش برگرداند.

نقد

این داستان ضمن اینکه از حیث سند جزو احادیث مجعول قرار دارد، از حیث عقلی نیز اشکالات متعددی بر آن وارد است . به همین دلیل برخی از مورخین (جعفر مرتضی ج ص 112) معتقدند این قبیل احادیث برای تأیید برخی از عقاید فاسد در خصوص صدق قرآن و عصمت پیامبر جعل شده است.

3: دوران شبانی

پیامبر در دوران کودکی به اتفاق مورخین اقدام به شبانی نموده و تقریباً در اصل داستان هیچ اختلافی نیست اما بحث در این است که فلسفه این کار چه بوده است؟ گر چه دلایل متعددی بیان شده اما بهترین دلیل میتواند این باشد که اولاً به دلیل مشارکت در هزینه اقتصادی زندگی جناب ابوطالب بوده باشد که از این حیث اقدام پیامبر در آن سنین تنها کمکی بوده که می توانسته به معیشت خانواده عموی خود بنماید

و ثانیاً: در کوهستان فرصت تفکر در آفاق و انفس برای حضرت پیش می آمده و بدین وسیله می توانسته انس بیشتری را در فضایی به دور از هیا هوی جامعه و مردم با معبود خود برقرار کند.

4- دوران جوانی

جوانی یکی از پرشورترین و بحرانی ترین زمان زندگی هر فرد محسوب می شود چراکه در این مقطع شکوفایی غریزی و امیال نفسانی در اوج خود قرار میگیرد و به همین واسطه بروز انحرافات و انواع آلودگی ها در این سن بالاتر می رود . حال اگر در جامعه ای زمینه بروز ناهنجاری ها بیشتر باشد بالطبع به صورت مضاعفی جوانان را آلوده خواهد کرد. با وجود این واقعیت وقتی زندگی پیامبر اکرم(ص) مورد مطالعه قرار میگیرد مشاهده می شود در عین اینکه غرایب در ایشان هم مثل هر جوان دیگری وجود داشته و جامعه جریده العرب که غرق در انواع فسادها بوده بطوری که حتی پیر مردها از ارتکاب آن احساس شرم نمی کنند، حضرت آن گونه پاک زندگی میکند که حتی دشمنان و بدخواهان او نه تنها در هیچ مقطعی آن حضرت را به ارتکاب اعمال خلاف اخلاق متهم نمی کنند بلکه او را به عنوان فردی امین و مورد اعتماد و راستگو میشناسند.

5 : نصب حجر الاسود

وقوع این حادثه را برخی از مورخین در 25 سالگی و برخی هم در 35 سالگی حضرت می دانند. اجمال داستان چنین است که، هدایای مردمی به دلیل آنکه کعبه درب و دیوار نداشت، در چاه نگهداری می شد و به همین دلیل مورد سرقت قرار می گرفت . وقتی بزرگان مکه تصمیم گرفتند تا حرم را بازسازی کنند با دو مشکل مواجه شدند 1 : چوب به مقدار لازم نداشتند 2 : باید ساختمان موجود تخریب می شد و نگران بودند تخریب ساختمان غضب الهی را در پی داشته باشد . با شکستن کشتی يك تاجر در بندر جده چوب تامین شد و با ملاحظاتی ساختمان نیز تخریب و مجددا بازسازی شد وقتی نوبت به نصب حجر الاسود رسید بین قبائل نزاع در

گرفت در نهایت رضایت دادند اولین نفری که از درب سمت کوه صفا وارد شد به قضاوت او عمل کنند در این حین پیامبر وارد شد و همگی با پذیرش قضاوت او به عنوان این که او امین است مشکل حل شد.

حلف الفضول

مردمی از قبیل زبیه کالایی را به مکه آورد و آن را به عاص بن وائل فروخت لکن از پرداخت وجه آن علی رگم پی گیری های فروشنده امتناع کرد. مرد زبیدی از هر کس کمکی طلبید اقدامی در جهت یاری او صورت نگرفت چرا که تعصب قبیلگی اجازه کمک به افرادی خارج از قبیله بر علیه فردی از افراد قبیله خودی را نمی داد. در نهایت او بالای کوه ابوقبیس رفت و فریاد استغاثه بر آورد زبیدین عبدالمطلب متأثر شد و با همراهی عده ای به یاری او شتافته و متاع او را ستانده و پس دادند که بعد ها به نام پیمان جوانمردان معروف شد. نکته این پیمان این بود که اولاً پیامبر نیز در آن مشارکت نمود و بعد ها هم به آن مباحثات می کرد ثانیاً این پیمان بر خلاف تلاشهای ابوهره که میخواست اثبات کند توسط بنی امیه شکل گرفته است بر علیه بنی امیه بوده است.

ازدواج با خدیجه(س)

ازدواج پیامبر اکرم (ص) با خدیجه بر اساس قول مشهور در 25 سالگی ایشان در حالی که همسرشان 40 ساله بود اتفاق افتاد در اینکه آیا حضرت خدیجه قبلاً ازدواج داشته یا نه دو قول وجود دارد عده ای اعتقاد دارند آن حضرت با دو مرد به نامهای عقیق بن عائد و ابو هاله بن منذر ازدواج کرده بود لکن در مقابل عده ای ضمن رد این مطلب معتقدند تولید چنین مطالبی توسط سیاست بازان طراحی و منتشر شده است و برای اثبات نظر خود مسائلی همچون سرمایه، مجرد بودن تا سن 40 سالگی و وجود فرزندان حضرت خدیجه که به همراه خودبخانه پیامبر اکرم (ص) آورده را جواب می دهند

البته باید یاد آور شد وجود یا عدم ازدواجهای قبلی حضرت خدیجه (س) بدون تردید در اثبات یا نفي کمال یا نقص مورد استفاده قرار نمی گیرد بلکه اهمیت این بحث صرفاً از آن جهت که بطور تحلیلی به موضوع نگاه دقیقی صورت می پذیرد، برگشت می نماید.

صفات حضرت خدیجه

حضرت خدیجه (س) بدون تردید واجد کمالاتی بود که آشنایی بآنها می تواند به عنوان الگو برای نسل حاضر، بسیار مفید واقع گردد و به همین دلیل به تعدادی از آنها اشاره می شود.

1-فهم بودن

از نشانه های فهم آن بانوی گرامی می توان به مغرور نشدن به تجارت و سرمایه زیاد و همچنین با انتخاب روشن زاهدانه و عدم دلبستگی به مقام و مال اشاره نمود. چراکه به محض ازدواج ضمن ترك تجارت همه اموال خود را در راه اهداف همسر گرامی خود صرف نموده و آنها را در اختیار پیامبر اکرم (ص) و اهداف متعالی آن حضرت قرار میدهد.

2-جمال

گرچه معمولاً در سنین بالا و با توجه به وضع بهداشت در جزیره العرب زیبایی های ظاهری افراد باید رو به افول باشد امام عموم مورخین از جمال بی نظیر آن بانو در این سنین گزارش کرده و حتی معتقدند همین عامل باعث حسادت برخی از همسران پیامبر نسبت به ایشان بوده است.

3-جلب نظر پیامبر

در بین همسران پیامبر هیچ کدام در جلب نظر به حدی که حضرت خدیجه مورد بحث قرار گرفت نتوانست برای خود جایگاهی ایجاد کند و این مساله از روایتهای مختلفی که درباره ایشان از پیامبر اکرم (ص) بما رسیده است به راحتی قابل اثبات می باشد. علاوه بر جلب نظر پیامبر از محتوای برخی از روایات چنین بر می آید حتی خداوند سبحان نیز نسبت به ایشان علاقه خاصی داشته است در این خصوص ابن هشام در کتاب السیره از عبدالله بن جعفر بن ابیطالب روایت کرده که رسول خدا فرمود من از طرف خداوند مامور شدم تا خدیجه را به خانه ای از در و لولودر بهشت بشارت دهم

جریان ازدواج

رفتار بانوی اول اسلام در جریان ازدواج با وجود اینکه پیامبر را بخوبی می شناخت مصداق دیگری از فهم بودن آن حضرت محسوب می شود چرا که بنا به روایات تاریخی ضمن اعزام پیامبر به سفر تجاری شخصی به نام مسطور را مامور می کند تا

حالات او را زیر نظر داشته و گزارش نماید تا دانسته های قبلی خود را با گزارش های واقعی که به او داده می شود تطبیق داده و انتخاب درستی به عمل آورد. در نتیجه وقتی به جمع بندی می رسد پیش قدم شده و موانع ازدواج را خود بر طرف می نماید.

جریانات بعد از ازدواج

رفتار حضرت خدیجه در خانه همسر و خود را در خدمت اهداف او قرار دادن و انتخاب زندگی منزوی با وجود اینکه تاجری معروف و پولدار و موجه بوده و حمایت همه جانبه از پیامبر نشانی دیگر از درک درست موقعیت توسط آن بانوی گرامی محسوب می شود.

بخش پنجم

-بعثت(در آستانه بعثت و تحنث/اولین وحی و کیفیت نزول /واکنش خدیجه/اولین مسلمان//دعوت مخفی(ضرورت/شیوه/پیامد)

5-در آستانه بعثت

پس از ازدواجی که بیشتر روحانی بود تاجسمانی حضرت خدیجه با درایت خود فضای بسیار مناسبی را در درون خانه برای پیامبر فراهم نموده و با تمام توان خود را در خدمت همسرش قرار داد. بگونه ای که در مدت کمی به همراز و همدل پیامبر تبدیل شده بود و با وجود شرایط خوب منزل اما جامعه جاهلی بشدت حالت بدی را داشت به همین جهت برخی اعتقاد دارند پیامبر راه تحنث را پیش گرفت یعنی پناه بردن به غار حرا که بدنبال آن روی آوردن به خلوت و انزوا را در پی داشت .

این روند ادامه داشت تا در سن 38 سالگی حالتهای خاصی بر حضرت عارض شد. از جمله اینکه در خواب و بیداری احساس می کرد کسی او را همراهی می کند و گاهی او را با نام یا محمد خطاب می کند یا در راه سنگ و کلوخها با عنوان رسول الله به او سلام می دادند هر چه زمان بعثت نزدیک تر می شد هم زندگی در خارج از شهر و روی آوردن به تحنث بیشتر می شد و هم خواب های صادق که عیناً در روز تعبیر می شد افزایش پیدا می کرد.

گفته شده حضرت بعد از اوج گرفتن این حالت آنرا به همسرش نقل می کند و حضرت خدیجه بعد از دلداری پیامبر نزد رقه"بن نوفل می رود و از او می شنود که اینها مقدمات نبی به نبوت است.

اما پذیرش این بخاطر شخصیت و رقه"بن نوفل قدری سخت می نماید چرا که اطلاعات دقیقی از او در دست نیست ، و برخی طرح این اسم مخصوصاً از قبیلہ بنی اسد را بیشتر ساختن چهره برای این قبیلہ که آل زبیر و خلیفه اول تعلق به آن داشته می دانند .

اولین وحی و نزول

در اینکه بعثت نبوی در 27 رجب و در 40 سالگی حضرت اتفاق افتاده تردیدی وجود ندارد و همچنین در غار حرا بودن هم محل بحث نیست اما در خصوص اینکه هنگام بعثت پیامبر بیدار بود یا خواب ، تنها بود یا کسانی در کنارش بودند و بعد از بعثت همچنان در غار حرا ماند یا منزل رفت و کیفیت نزول اولین آیات بحث هایی واقع شده است که به اجمال مورد اشاره قرار می گیرد.

1 : بعد از خواب

گفته شده پیامبر(ص) در حالی که در خواب بود دوفرشته میکائیل و جبرائیل به ایشان فرود آمد و او را مورد خطاب قرار دادند. حضرت وقتی بیدار شد آنها را به همان شکل مشاهده کرد .

2 : همراهان :

عده ای معتقدند در زمان نزول فرشتگان علی و جعفر دو فرزندان ابی طالب نزد پیامبر بودند.

3 : توقف

در این مورد دو قول وجود دارد. اولی قولی است که می گوید حضرت بعد از بعثت چند روزی را در غار ماند و حضرت خدیجه که بیدارش رفته بود از نور موجود در غار سوال می کند.

دوم، قولی است که معتقدند حضرت بعد از گفتگو با فرشتگان الهی راهی منزل شد و در بین راه مشاهده کرد همه جامدات به به عنوان رسول خدا به او سلام می دهند. بعد از ورود به منزل جریان را به همسرش نقل کرد و به استراحت پرداخت.

نکته: نباید سلام دادن و یا تکلم جامدات بعید بنظر برسد چرا که همه موجودات عالم دارای درجه ای از درک هستند

ما سمعیم و بصیریم و هُشیم با شما نامحرمان ما خامُشیم

از همین باب است که رود نیل حضرت موسی را صیانت می کند و هم برای او شکافته می شود و چاقوی حضرت ابراهیم گلوی حضرت اسماعیل را نمی برد و آتش بر آن حضرت سرد و ایمن می شود.

4: اعلان وحی

در برخی کتابها گفته شده که فرشته الهی بعد از نزول از پیامبر می خواهد تا بخواند و چون او می گوید خواندن نمی دانم او را فشار می دهد و تا سه بار این تکرار می شود و بعد می گوید چه بخوانم فرشتگان آیات اولیه سوره علق را بر حضرت عرضه می کند و پیامبر آن را می خواند.

هر چند این روایت در کتابهای صحاح مانند بخاری در ج 1 ص 59 و مسلم در ج 2 ص 197 و تاریخ طبری ج 3 ص 205 آورده شده و لکن بدلائل متعددی مورد ايراد است. چرا که از حیث سند این روایت عمدتاً به عایشه ختم می شود که او خود در سال 5 بعثت متولد شده است.

مضافاً به اینکه از حیث عقلی نیز ناسازگاریهای زیادی دارد.

به همین جهت بنظر می رسد درست تر این باشد که حضرت کاملاً با آمادگی از پذیرش بعثت و نزول آیات استقبال کرد. و بعد از آن متوجه خانه شده و به عنوان شاد باش آن را بر خدیجه و علی (ع) عرضه می نماید و آنها هم بلا درنگ ضمن استقبال ایمان آورده و به عنوان اولین ایمان آورندگان به پیامبر در تاریخ اسمشان ثبت و ضبط می شود. (الصحيح من السيرة النبى الاعظم جعفر مرتضى عاملی)

: واکنش خدیجه

در برخی کتب نقل شده حضرت خدیجه بعد از پوشاندن پیامبر نزد افرادی چون ورقه بن نوفل، عداس و زینب بنت جحش و دربارہ حالات حضرت تحقیق می کند و بعد از صحبت با آنها اطمینان پیدا می کند که مساله نبوت محقق شده است.

گرچه کتابهای متعددی این قول را نقل کرده اند لکن بدلائل عقلی و سندی نمی تواند این گفته مورد قبول واقع گردد، چرا که وضعیت ورقه بن نوفل ناشناخته و مبهم است. عداس و نسطور نیز 2 راهبی هستند که در دیری نزدیک شام زندگی می کنند و خدیجه نمیتوانسته در زمان کوتاهی نزد آنها رفته و برگشته باشد. از حیث سند نیز این روایتها از عروه بن زبیر نقل شده که محدثین روایتهای او را مردود می دانند.

اولین مسلمان

معمولاً در بین مورخین اختلاف شدیدی در خصوص اینکه چه کسانی در اسلام آوردن مقدم تر بودند واقع شده، مخصوصاً این اختلاف در مورد اولین مسلم شدید تر است.

الغدیر به نقل از اصحاب و منابع اهل سنت و کتاب الاصابه از 61 نفر از اصحاب نقل کرده که اولین مسلم علی (ع) بوده است

تلاش عده ای برای اینکه ایمان علی را بدلیل کودک بودن زیر سوال ببوند با صریح روایت که بطور مطلق می گوید **إِنَّ عَلِيَّ أَوْلَىٰ مِنَ صَلَواتِي - أَوْلَىٰ مَن آمَنَ وَ أَوْلَىٰ الْأُمَّةِ أَوْ الرَّؤسِ** اسلاماً رد می شود

مضافاً به اینکه تعیین 15 سال برای سن تکلیف در سال نهم هجرت و در مدینه انجام شده است و چنانچه سن به این معنی ملاک باشد نباید پیامبر او را در جریان انذار عشیره و حدیث دار به عنوان جانشین و ولی معرفی کرده باشد و حال آنکه بالاجماع این کار صورت گرفته است.

دعوت مخفی (فردی-عملی)

مقطع 3 سال از فعالیت پیامبر را که بعد از بعثت آغاز شد هر چند دعوت سري نامیده اند اما بنظر مي رسد فردي گفتن مناسبتر باشد چرا که ظهور آيين جديد براي مردم مکه کاملاً مشهود بوده و روزها بطور علني پیامبر به همراه 3 نفر ديگر (خديجه - علي زبير) کنار كعبه به نماز مي ايستادند و فريضه الهی را بجا می آوردند و بنا برنقل برخی كتب مشرکين در مورد کار آنها با هم صحبت می کردند اما از آنجا که اعمال عبادی پیامبر را برای خود خطری احساس نمی کردند و اکنشی از خود در مورد اذیت و یا ایجاد مزاحمت نشان نمی دادند .

اما وجه تمایز این مقطع را مي توان در شناسايي جذب و تربيت اصحاب و از طرف ديگر عدم عيب جويي صريح و آشکار از عقايد و انکار بت ها توسط پیامبر و مسلمانها دانست و این روش کاملاً با عقل سازگاري دارد . چرا که شوریدن بر عليه باورهاي جاهلي جامعه که ریشه در تاريخ دارد نیاز به یاران آزموده و فرصت مناسب داشت و در دوران دعوت فردي این مهم عملي شد.

شیوه عمل در عوت فردی:

- 1: عدم عيب جويي آشکار از مشرکان.
- 2: اقامه نماز به همراه خديجه و علي و زبير در مقابل چشم مخالفين و مشرکين.
- 3: جذب افراد مستعد.
- 4: تربيت افراد جذب شده و ارتقاء دانش ديني و جدا کردن آنها از اخلاق جاهلي.

بخش ششم

(پیامد)

دعوت عشيره (ايه مربوطه/شرح ماجرا/حديث دار/پیامد/ضرورت) دعوت علنی(كيفيت/محورهای دعوت /واکنش مردم /علت مخالفت با اسلام

دعوت عشيره

بخش دوم از زندگی تبلیغی پیامبر بعد از بعثت به دعوت عشيره برگشت می نماید .مقطعی که پیامبر مامور می شود در پایان دعوت فردی طی آن با دعوت از خویشاوندان خود قدمی دیگر در راستای ابلاغ رسالت خویش بردارد .

آیه مربوطه:

آیه 214 سوره شعرا (وانذر عشيرتک الاقربين .واخض جناحک لمن انتجک من المومنين . فلین عَصْرُکَ قَوْلًا اِرِّي بِيَّيِّ مِمَّا تَعْتَوْنَ)

شرح ماجرا:

در نتیجه سه سال دعوت غير علني و فردي و با فراهم شدن زمینه ذهني جامعه و افزايش گروندگان به دين اسلام و با نزول آيه 214 سوره شعرا پیامبر ماموریت یافت تا بستگان خود را به اسلام دعوت نماید . در پی این نزول حضرت علي (ع) را مامور مي نمايد تا تهیه غذاي اندک از 40 نفر از بزرگان قریش که دعوت شده اند پذیرایی کند . علي (ع) به عنوان منشاين روایات چنین مي گوید: در آن زمان این کار انجام شد ، روز اول و دوم ابولهب با دیدن پذیرایی با غذاي کم جلسه را بهم ریخت اما در روز سوم پیامبر ضمن سخنراني خطاب به بستگان خود فرمود فرزندان عبدالمطلب به خدا سوگند در میان عرب کسی را نمی شناسم که ارمغاني بهتر و برتر از ارمغان من براي شما آورده باشد . من براي شما خير دنيا و سعادت آخرت را آورده ام . خداوند به من فرمان داده تا شما را به سوي او بخوانم از سرانجام کفر بترسانم و بهفوايد و آثار ايمان به خدای يگانه مژده دهم . کدام يك از شما مرا در این امر ياري مي کند تا برادر ، وصي و جانشين من باشد .

تا سه بار حضرت این سخن را تکرار کرد و بجز من کسی جواب مثبت نداد پس از آن پیامبر من را به عنوان جانشين خود معرفي کرد . و در تاريخ اسلام این جريان به حديث دار مشهور شد . و علامه اميني در الغدير با سندهاي متعدد از منابع شيعه و اهل سنت در حالیکه آنها را صحيح می داند ، نقل مي کند .

سندهای موجود حکایت از این دارد که بعد از اعلام ولایت (ع) مهمانها از منزل حضرت در حالیکه با تمسخر خطاب به ابو طالب ولایت فرزند خردسالش را بر او تبریک می گفتند خارج شدند.

گرچه این دعوت با استقبال مواجه نشد، اما با توجه به صحیح بودن سند این روایت بخوبی منصوب شدن علی(ع) به جانشینی پیامبر از ابتدای دعوت نبوی اثبات می شود.

چرا که اگر این دعوت به غیر از مساله حکومت بود، تمسخر آنها مبنی بر لزوم اطاعت از فرزند خردسال معنی نمی داشت و به بیان دیگر کل واقعه حکایت از حکومتی بودن این جانشینی دارد.

ضرورت

با اینکه پیامبر در روایت منقول از علی(ع) بر بی نتیجه بودن این دعوت اذعان دارد تاریخ طبری ذیل آیه واندر عشیرتک آورد است که پیامبر خود را ملزم به اجرای آن می داند و آنگونه که در صفحات تاریخ گزارش شده است آن را عملی می کند. گفتنی است هر چند دست آورد مورد انتظار، حاصل نشد اما حداقل اتمام حجت صورت گرفت و راه گلابه را بر روی بستگان پیامبر بست. نا گفته نماند، اگر آنها دعوت پیامبر را قبول می کردند و اتفاقاً استقبال آنها بر اساس احتمالات عادی بدلیل قرابت و شناختی که از پیامبر داشتند و روابط عاطفی دور از انتظار هم نبود، سیر توسعه و فراگیری اسلام بسیار هموارتر می شد.

دعوت علنی

پس از دعوت عشیره بخش اصلی ابلاغ رسالت نبوی آغاز گردید و طی آیه ای که نازل شد پیامبر مأموریت یافت تا بطور علنی رسالت خود را با محوریت توحید و نفی بت و شرک به جامعه خود عرضه نماید.

کیفیت

آیه 94 سوره حجر (فاصدع بما توامر و اعرض عن المشرکین) آغازگر مرحله سوم از دعوت پیامبر بود. با نزول این آیه پیامبر مأموریت جدید خود را به این صورت عملی نمود. او در بالای کوه صفا حضور یافته و با ندای یا صباحاه مردم را به سوی خود جلب کرد. بعد از حضور جمعیت پیامبر طی خطابه ای به آنها فرمود:

ای مردم هر گاه به شما خبر دهم که دشمنان می خواهند بامداد یا شبانگاه ناگهان بر شما بتازند آیا باور می کنید و راستگویم می شمارید؟ همگی گفتند ما در سراسر زندگی از تو دروغ نشنیده ایم پیامبر فرمود شما را از عذاب الهی بیم می دهم و به بندگی خدای یگانه فرا می خوانم.

ابو لهب که یکی از حاضرین در مجلس بود با دروغگو خواندن پیامبر به حضرت توهین کرد و متقابلاً خداوند با نزول جبرئیل و ابلاغ سوره مسد مومنین را یاری کرد.

در تاریخ این روز را به نام یوم الانذار - أو بدأالدعوة نام گذاری شده است (سیره حلبی ج 1 ص 311) الطبقانثلکبری ج 1 ص 200 تاریخ العقبی ج 1 ص 383

محورهای دعوت

دعوت پیامبر در آن روز بر سه محور صورت پذیرفت.

- 1: پرستش خدای واحد و سرزنش بت پرستی.
- 2: بیان هدف بعثت که عبارت از توحید بود.
- 3: اعلام این موضوع که رستگاری در سایه جهاد شناسی توحید است.

واکنش مردم

بعد از ابلاغ دستور الهی مردمی که در آن صحنه حضور داشتند سه نوع واکنش از خود نشان دادند

الف: عده ای از آنها با علنی شدن دعوت پیامبر اسلام را پذیرفتند.

ب: عده ای دیگر به فکر فرو رفتند و در درستی بت پرستی به تردید افتادند

ج: عده ای دیگر علیه اسلام بر آشفتند و بر شرک خود مصمم شدند.

1: در برخی روایات تاریخی گفته شده ، وقتی دعوت علنی انجام شد همه اهل مکه در غیاب بزرگان شهر که به طائف فته بودند اسلام را پذیرفتند. تا اینکه سران مکه از طائف برگشتند و با استفاده از نفوذ و قدرت خود مردم را مجدداً از اسلام منصرف کردند . (سیره رسول خدا (ج 1 / 342)

علت مخالفت با اسلام

مخالفین دعوت پیامبر به سه دسته معرفی شده اند مشرکان-یهودیان-ومنافقان که باید به اقدامه‌ای آنها پرداخت . اما قبل از ان این سوال وجود دارد که چرا قریش با وجود اینکه با پیامبر رابطه سببی و نسبی با آنها دارد از ابتدا با دعوت نبوی به مخالفت برخاستند . در این خصوص قرآن علتها چندی را بیان میکند.

1-به جهت دعوت توحیدی و مخالفت صریح اسلام با بت های مشرکین که طی مدتها با ان انس گرفته بودند.

2.اسلام آوردن جوانها و قشر محروم جامعه مخصوصاً برای انهایی که خود را برتر و طبقات پائین اجتماع را بی ارزش میدانستند.

3.حسادت به موقعیت ارزشی اسلام و پیامبربویره برای افرادی که غرق در رزائل اخلاقی بودند و نمیتوانستند جایگاه ارزشی پیامبر را تحمل کنند

4.بشر بودن پیامبر

5.اعتقاد به جبر توسط کسانی که بدلیل لجاجت و تعصب علاوه بر اینکه خودشان نمی اندیشندبیداری دیگران را تحمل نمیکردند.

6.اطاعت کورکورانه از نیاکان(اعراف 70)

7.دلدادگی به دنیا

بخش هفتم :مشکلات پیامبر در مکه

-مشکلات پیامبر در مکه (تاکتیکهای مشرکین در برخورد با پیامبر /واکنش پیامبر /هجرت به حبشه/طائف/شعب/ پیمانهای عقبه /مدینه)

تاکتیکهای مشرکین در برخورد با پیامبر

مشرکین مکه به دلایل متعددی نمیتوانستند واقعیت ظهور اسلام را بخاطر تضاد آن با ارزشهای نظام موجود را قبول کنند .به همین جهت بعد از علنی شدن اسلام تصمیم گرفتند که بطور جدی مقابل اسلام بایستند . آنها قصد داشتند در مرتبه اول اسلام و پیامبر را منزوی کنند و در مرتبه بعد اگر جواب نداد با برخورد های فیزیکی رودررو ، اسلام را از بین ببرند .

مجموعه اقدامات مشرکین تحت چند عنوان قابل دسته بندی است که به انها اشاره میشود.

1-تاکتیک مسالمت امیز

2-نیرنگ عوام فریبانه -مجمع تهمت هماهنگ

سوم شکنجه های جسمی و روانی

چهارم بهانه گیریهای بی پایه

پنجم در خواست کارها ی فرا بشري

ششم پرسشهاي بي منطق و نامعلوم

هفتم تهمت سحر و جنون

این موارد و مانند اینها مصادیقي از آزار مشرکین بود که قرآن کریم طی آیات متعددی به آنها پرداخته است.

تاکتیک مسالمت آمیز

دو عامل مهم باعث می شد تا سران مشرکین ابتدا به صورت خشن با اسلام برخورد نکنند

اول حمایت ابوطالب که ربیب قبیله بنی هاشم بود .

دوم اوضاع مکه که شهری تجاری محسوب میشد و ناامنی میتوانست خسارت زیادی را در پی داشته باشد .

به همین جهت ابتدا نزد ابوطالبیفته و از او می خواهند تا بطریقی از تبلیغ اسلام توسط پیامبر جلوگیری نماید. جناب ابوطالب با درک شرایط بی نوعی با آنها سخن میگوید که مشرکین باتصور اینکه ابوطالب خواست آنها را پذیرفته است از نزد او میروند

توسعه اسلام

عواملی چند از قبیل جذب معنوی قرآن و تعالیم متعالی اسلام و همچنین اخلاق تبلیغی پیامبر باعث میشود تا تعداد زیاد تری از جوانها واقتدار ضعیف جامعه به ایشان ایمان بیاورند و همین مساله باعث ناراحتی بیشتر مشرکین میشود. و تصمیم می گیرند تا بار دیگر با ابوطالب ملاقات نموده و خواست خود و وعدهای ابوطالب را پی گیری نمایند .

مذاکره دوم

مجددا شورای مشورتی قریشی نزد ابوطالب رفت و عتبه بن ربیع به عنوان سخنگو ضمن یاد اوری مقام ابوطالب از اینکه به وعده خود عمل نکرده گلایه میکند و تهدید میکنند صورتی که جلوی او را نگیری درگیری فیزیکی اجتناب نا پذیر خواهد بود.

ابوطالب این بار نیز با درایت خود آنها را آرام میکند و توصیه می کند آنها جهت ملاقات حضوری با خود پیامبر اقدام کنند .

پیامبر بعد از شنیدن سخنان مشرکین سخنان مشهور (که اگر ماه را در دست چپ و خورشید را در دست راستم بگذارند دست از این راه بر نخواهم کشید) را بیان کرد و مشرکین با شنیدن جواب پیامبر مطمئن شدند جریان مذاکره نتیجه بخش نخواهد بود لذا برای انجام اقدامات جدی تر مصمم شدند.

در مقابل ابوطالب هم با درک سختی کار کلیه هاشمیان و مطالبیان را جهت دفاع همه جانبه از پیامبر گرد اوری کرد و آنها بجز ابولهب سخن او را پذیرفته و آماده جانفشانی شدند.

استهزاء

در پی بی نتیجه بودن مذاکرات مشرکین به استفاده از ابزار استهزاء روی آوردند. اسلحه استهزاء آنچنانکه که در انسانهای شریف تاثیر بسیاری دارد در مورد پیامبر هم بسیار کارساز واقع شد و در مواردی باعث می شد تا از جامعه دوری گزینند .

خداوند با نزول آیاتی مبنی بر اینکه من از تو کفایت خواهم کرد در برابر مستهزیبین و پیامبران قبلی نیز با چنین وضعیتی مواجه بودند باعث دلگرمی پیامبر می شد

عمده محور استهزاء حول بچه دار نشدن پیامبر جریان معراج حضرت و اخبار بهشت و جهنم دور می رد.

مجمع تهمت هماهنگ

مشرکین در ادامه عملیات ایذائی خود تصمیم گرفتند با توجه به نزدیک بودن ایام حج اقدام موثرتری را بکار ببندند. به همین جهت آنها

نزدیک ایام حج در جلسه ایی به اتفاق مشرکین تصویب کردند تا همه افراد در مورد پیامبر يك حرف بزنند و از تك روي ببر هیزند. بر همین مبنا حرفهای متفاوتی مطرح شد در نهایت تصویب کردند تا در ایام حج همگی و در اقدامی هماهنگ به پیامبر نسبت سحر بدهند و بگویند او با کلمات خود بوسیله سحر بین اعضاء خانواده ها اختلاف ایجاد کرده است.

سوم اقدامات علیه قرآن

دشمنان اسلام در ادامه اسلام ستیزی خود علاوه بر پیامبر تصمیم گرفتند با تمام عوامل اقتدار اسلام به ستیزه برخیزند به همین جهت قرآن که با تعالیم عالییه ای که با فطرت و جان انسانها هم خوانی داشت و در جذب مردم به اسلام بسیار موثر بود. مورد توجه مشرکین قرار گرفت. و آنها برای از کار انداختن ان چندین کار انجام دادند

1: تحریم شنیدن قرآن حتی برای کسانی که برای حج به مکه می آمدند توصیه می کردند پنبه در گوش خود فرو برند

2: ایجاد هیاهو و جنجال هنگام تلاوت قرآن

3: افسانه و شعر شمردن قرآن

4: سرگرم کردن مردم توسط افراد قصه گو

5: تردید در وحیانی بودن قرآن و می گفتند تعلیم فردی یهودی است

در مورد اینکه قرآن تعلیم يك فرد یهودی به پیامبر بود، خود قرآن جواب می دهد این کتاب عربی مبین است و هر چند در قرآن هم همانند تورات داستانهایی وجود دارد اما از حیث ماهیت کلا" متفاوت است. مضافا اینکه پیامبر امی بود و بخشی از قرآن در مکه نازل شده که در آنجا هیچ یهودی وجود نداشت.

6: ترویج داستانهایی مانند غرانیق

4: اقدام علیه حامیان نهضت

در اقدامی دیگر مشرکین متوجه پیروان اسلام شده و قصد داشتند بوسیله ترساندن علاوه بر اینکه افراد مسلمان شده را به کفر برگردانند بلکه افراد در شرف اسلام را هم از کار خود منصرف کنن. به همین جهت بعد از اینکه افرادی برای اجرای ماموریت انتخاب شدند مسلمانها را به سه گروه تقسیم کرده و برای هر کدام روش برخورد مناسب خود را تعیین کردند.

با افراد ضعیف، متوسط جامعه بوسیله شکنجه های طاقت فرسا

با افراد تاجر از راه تهدید به تحریم و غارت سرمایه

با افراد دارای موقعیت برتر از طریق تحریک عصبیت و سرزنش

میزان سختی این دوران را می توان به نزول آیات مکرر در خصوص صبر و بردباری از طرف خداوند متوجه شد و در نهایت با اذن خداوند پیامبر با مهاجرت مسلمانها به حبشه موافقت کرد که مجموعا دو گروه اعزام شدند.

5: اقدام علیه خود پیامبر(ص)

و آنگاه که مشرکین از حبشه دست خالی برگشتند تصمیم گرفتند تا با حذف فیزیکی پیامبر را از بین ببرند. اما با متوجه شدن ابوطالب و اظهار این مطلب ((به خدا سوگند اینان به تو دست نخواهند یافت مگر روزی که من در خاک مدفون باشم)) السیرة الحلبیه ج 1 ص 336

مشرکین ناامید از اقدامات خود ب فکر راههای جدید افتادند.

6: شعب ابوطالب (تحریم اقتصادی)

در اقدامی دیگر سران شرك طی عهد نامه ای متعهد شدند كه

1: با مسلمانها هیچ گونه خرید و فروشی انجام ندهند

2: پیوند زنا شویی ممنوع شد

3: جبهه مخالف پیامبر به طور همه جانبه حمایت شود

با شدید تر شدن اوضاع بنا به پیشنهاد ابوطالب مسلمانها در منطقه ایی در کنار کوه صفا و نزدیک مسجدالحرام متمرکز شدند. و با محاصره مشرکین به مدت سه سال دوران بسیار سختی را یاران پیامبر تجربه کردند. امادر تاریخ همیشه این سوال مطرح است که چرا باوجود آن همه سختی در شعب هیچ یک از یاران حضرت او را رها نکرده و همه سختی ها را بجان خریدند؟ در پاسخ گفته شده ایستادگی آنها در این مدت علاوه بر حقانیت دین به ایستادگی و اطمینان خاطر پیامبر از درستی راه برگشت می کرد . بالاخره شعب ابوطالب با فرستادن نامه ای به سران مشرکین مبنی برخورده شدن عهد نامه توسط موربانه و اثبات صحت خبر پایان یافت .

واکنش پیامبر

حضرت مهربانانه در مقابل همه آزار و اذیتها فرمود ای مردم بعثت من برای آن است که نذیرو بشیر شما باشم اگر سخنم را قبول کنید سود دنیا و آخرت را خواهیدبرد در صورت انکار صبرو مقاومت پیشه خواهم کرد تا خداوند میان من و شما حکم کند.

8- اهمیت هجرت/چگونگی هجرت/لیله المبیت /ورود به مدینه /تاسیس مسجد قبا /اقامه نماز جمعہ /ورود به شهر/انتخاب محل اقامت/عهد نامه مدینه یا اولین قانون اساسی)

بخش هشت

اهمیت هجرت:

هجرت در علوم مختلف تعاریف مختلفی دارد.

هجرت در دین: مهاجر کسی است که از محدوده طاغوت و استبداد خارج می شود تا بتواند معاشرت ، تربیت و عبادتش را متناسب با شریعت و آرمان خود انجام بدهد .

در جامعه شناسی : مهاجر کسی است با انگیزه شغلی و معیشتی مثل کار و تجارت یا زلزله و سیل و یا بهره برداری از مواهب رفاهی و خدماتی اقدام به مهاجرت می کند.

در عرف سیاسی به کسانی مهاجر می گویند که به دلیل گرایش های سیاسی و اجتماعی شان در وطن خود از امنیت برخوردار نیستند و به سرزمین دیگر گریخته اند (مسائل جامعه شناختی از دیدگاه امام علی (ع) ص 60)

در دیدگاه اسلام وقتی شرایط بگونه ای باشد که مکسلمان نتواند به طبیعت فطری و کمال باطنی خود دست پیدا کند وظیفه دارد تا از آن جامعه روی گردان شده و به جایی که زمینه یکتا پرست ماندن فراهم است برود.

چرا که براساس آموزه های اسلام یک مسلمان حق ندارد بدلیل استضعاف در جامعه ای که روابط ظالمانه در ان حاکم است بماند و در آن ذوب شود.

بنابراین با نگاه جامعه شناسی ، دینی و سیاسی آنچه پیامبر انجام داد به معنی واقعی هجرت بود .

هجرت در یک تقسیم دیگر به دو قسم است هجرت آفاقی یعنی تغییر سرنوشت و یکی انفسی یعنی ایجاد تحول در درون تقسیم می شود ودر هر دو صورت هجرت عامل طرقی و پیشرفت است.

اما در اسلام هجرت به قصد تحصیل دنیا و مادیات منع شده است.

با بررسی اجمالی رفتار پیامبر(ص) در هجرت چند نکته اساسی قابل مشاهده است که می تواند به عنوان الگو مطرح گردد.

اول اینکه پیامبر بعد از همه از مکه خارج شد نه اینکه مثل سایر رهبران به محض احساس خطر یاران خود را در معرض خطر رها کرده و جان خود را نجات بدهد.

دوم امانت مردم که نزد حضرت بود به عنوان غنیمت به همراه خودنبرد بلکه حضرت علی (ع) را مامور کرد تا اموال مردم را به آنها برگرداند(تاریخ طبری ج ص 378)

چگونگی هجرت:

انتشار خبر پیمانهای عقبه باعث شد تا مشرکین با مسلمانها سخت گیرانه تر رفتار نمایند . این شرایط به همراه نزول آیه 97 سوره نساء که اجازه هجرت را به مسلمانها می داد باعث شد تا پیامبر مسلمانها یی را که توان لازم را دارند به سمت مدینه اعزام نماید.

بر اساس نوشته تاریخ طبری ج ص369 قبل از هجرت پیامبر بجز افراد بیمار و زندانیان تمام مسلمانهایی که توان بدنی برای هجرت داشتند از مکه به یثوب مهاجرت کردند آنگاه خود پیامبر را قدم به این امر نمود..

لیله المیبت:

مساله ای که باعث شد تا پیامبر گرامی به هجرت اقدام نماید عبارت بود از اینکه ، مشرکین با آغاز هجرت مسلمانها برای انتخاب یکی از 3 راه برای برخورد با پیامبر جلسه ای ترتیب دادند :

1 - به زنجیر کشیدن و به سیاه چال افکندن

2 - تبعید به نقطه ای دور دست

3 - کشتن پیامبر به وسیله نمایندگان کار آزموده از طوایف و قبایل مختلف تا خون حضرت در بین آنها تقسیم شود.

سرانجام بناشد تا راه سوم را بمورد اجرا بگذارند. پیامبر با اطلاع از نقشه مشرکین از علی (ع) خواست تا اولاً امانات مردم را به آنها برگرداند و ثانیاً بجای حضرت در بسترش بخوابد. علی (ع) بعد از اطمینان از خروج سالم پیامبر از مکه انجام هر دو ماموریت را مشتاقانه قبول کرد. و به همین خاطر آیه 207 سوره بقره (و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله روف بالعباد) در شان علی (ع) نازل شد. و از این واقعه به نام لیله المیبت یاد میشود.

پیامبر نیز با خواندن آیه وجعلنا من بین ایدیهم سداً و من خلفهم سداً فاغشینا هم فهم لایبصرون(یس9) سلامت از منزل خارج شد و در بین راه ابوبکر به او ملحق گردید.

ورود به مدینه

ورود به قبا

پیامبر روز دوشنبه در دهکده قبا نزدیکی مدینه مورد استقبال اهالی مدینه قرار گرفت و تا پایان هفته به انتظار آمدن علی و همراهانش ماند و در همین مدت مسجد قبا را بنا کرد و اولین نماز جمعه را هم آنجا اقامه کرد.

تاسیس مسجد قبا

اولین نهادی که در واقع اقدام عملی حضرت برای پیوند دین و دانش بود با ساخت مسجد عملی شد . مسجد یک نهاد اجتماعی با نشان وحدت مسلمانها مرکز آموزش و پرورش و پرستش مسلمانها شد. بخاطر اهمیت مسجد اولین خشت آن را خود حضرت حمل کرد و ادامه آن را به اصحاب واگذار کرد و در کنار آن مکانی برای فقرا و مستمندان ایجاد کرد تا در آن مستقر شوند و بلافاصله معلمها برای تعلیم قرآن کار خود را شروع کردند.

ورود به شهر

حضرت بعد از رسیدن به منطقه قبا تا روز جمعه برای رسیدن علی (ع) و همراهان او درنگ کرده و در طی این مدت علاوه بر ساخت مسجد اولین نماز جمعه را در همانجا اقامه کرد. بعد از اقامه نماز به سمت مدینه حرکت نموده و وارد مدینه شد. اولین مساله ای که ر بدو ورود حضرت در مدینه بوجود آمد شور و اشتیاق مردم برای میزبانی از حضرت بود که با درایت الهی او به بهترین وجه مدیریت شد. چرا که ذره ای غفلت می توانست از همان زمان بحث های اختلاف انگیز شروع شده و روند حیات اسلام را با مشکل مواجه نماید.

انتخاب محل اقامت

در راستای تدبیر مورداشاره پیامبر انتخاب محل استقرار شان را به عهده شتر گذاردند تا هر کجا که او فرود آمد آنجا محل استقرار ایشان باشد.

شتر در زمین 2 طفل یتیم فرود آمد و پیامبر هم در منزل ابویوب انصاری و در مجاورت زمین مستقر شد و به اقامه نماز پرداخت و در اولین نماز جمعه که با حضور مهاجر و انصار شکل گرفته بود رپیرامون اصول دین صحبت کرد.

پیمان برادری

در جامعه جاهلی عامل پیوند افراد قبیله و عصبیت بود و این عامل در مدینه بخاطر وجود افرادی با فرهنگ های مختلف می توانست برای اسلام مشکل ساز شود. مخصوصاً حضور افرادی از مکه که داراییهای خود را نیز بجا گذاشته بودند و از حیث فرهنگ نیز با مردم مدینه تفاوت چشم گیری داشتند. و فعالیت منافقین از طرف دیگر این خطر را جدی تر می کرد. دغدغهای موجود و مصادف شدن آن با نزول آیه 10 سوره حجرات باعث گردید تا پیامبر پیوند معنوی را جایگزین پیوند مادی و عصبیت نماید.

بر اسا این پیمان مهاجرین با انتخاب برادری از انصار از حمایتهای مادی و معنوی آنها برخوردار شدند و خود پیامبر هم به جهت اینکه هم شانی بجز علی نداشت و هم نگران بروز اختلاف از سوی اختلاف افکنان را داشت حضرت علی (ع) را به عنوان برادر برگزید.

عهد نامه مدینه

اولین قانون اساسی (همزیستی مسالمت آمیز)

پیمان برادری مسلمانها تا حدودی مشکلات را کم کرد اما ادامه این روند در دراز مدت می توانست مشکلات دیگری را بوجود بیاورد چرا که در کنار مسلمانها عده ای با شریعت یهودی و مسیحی زندگی می کردند بنابراین برای اینکه حدود مقررات در روابط افراد مختلف حاکم گردد ضرورت وجود عهد نامه ای که همه ملزم به رعایت آن باشند ضروری می نمود

مضاف بر آن ایجاد پیوند میان قبایل و جناح ها آزادی های عقیدتی و بالا بردن اتحاد مردم و ایجاد محیطی مطلوب و در نتیجه بالا بردن توان دفاعی از شهر وجود چنین قانونی را الزامی می کرد از طرف دیگر با ایجاد محیط امن و استقرار آرامش فرصت مناسبی برای مشرکین بوجود می آمد تا با شناخت اسلام آن را انتخاب کنند.

با فرمان خداوند این منشور که در حدود 50 ماده تنظیم شده بود از طرف پیامبر منتشر و مورد استقبال همه افراد ساکن در مدینه قرار گرفت. این عهدنامه از 3 بخش اصلی به شرح ذیل تشکیل یافته بود.

- 1 - تعیین روابط مسلمانهای اوس و خزرج و مسئولیت متقابل مهاجر و انصار در آن مقطع زمانی
- 2 - ترک تعرض مسلمانها و یهودیان نسبت به هم و مشارکت در امر دفاع
- 3 - بخش عمومی و جهانی که تامین کننده وحدت مسلمانها در همه زمانهاست
برخی از بندهای عهدنامه عبارتست از :

- 1 - مسلمانها ملتی واحدند
- 2 - مسلمانها باید عدالت پیشه باشند و در برابر ستمگران متعهد گردند هر چند ستمگر فرزند خودشان باشد.
- 3 - خون همه مسلمانها ارزش یکسان دارد و هیچ امتیازی میان آنها نیست .
- 4 - اگر مسلمانی مسلمان دیگر را بکشد باید قصاص شود مگر آنکه اولیای مقتول از قصاص چشم ببوشند .
- 5 - اگر مسلمانی پیمان بست حق ندارد پیمان خود را بشکند.
- 6 - تنها مرجع حل اختلافات قضایی ، حقوقی، جنایی شخص رسول خداست .
- 7 - امضا کنندگان این پیمان دفاع مشترک از یترب را به عهده می گیرند.

9- جنگهای پیامبر / جهاد اسلامی (سریه. غزوه/ از بدر تا حزاب/ فتح مکه) دلایل جنگها / مقررات اسلام در جنگ / تاکتیک های مسلمانها

ماهیت جنگهای پیامبر

جنگ یکی از شناخته ترین واژه ها در زندگی بشر است بطوری که نمودی از آن در زندگی حیوانات هم قابل مشاهده است چرا که آنها نیز مجهز به ابزار دفاعی مناسب هستند.

از دیدگاه فلسفی جنگ جزو شرور و لازمه وجودی طبیعت و زندگی مادی است و از نظر جامعه شناسان انسان زندگی اجتماعی را انتخاب کرد و از آنجا که او جاهل ، خود خواه و زیاد طلب است موجب تراحم منافع شده و جنگ را بوجود می آورد .

گر چه از دیدگاه اسلام و قرآن وجود جنگ امری جدایی ناپذیر از ماهیت انسان است چرا که انسان موجودی آزمند، ستم پیشه ، ناسپاس ، جاهل ، سرکش، پرخاشگر، پیرو شیطان توصیف شده است و هریک از این صفات برای وقوع نزاع کفایت می کند.

اما با این وجود جنگ امری ناپسند و مذموم است چرا که با ایجاد شرایط نا امن مانعی جدی بر سر راه رشد و تعالی انسان بوجود می آورد و تنها در شرایطی خاص وقوع آن را مجاز شمرده است. مانند:

1 - جلوگیری از فساد زمین

2 - محفوظ ماندن پرستشگاهها

3 - دفاع مظلومان

4 - اما برای مسائلی از قبیل استثمار اقتصادی ، برتری طلبی سیاسی ، توسعه طلبی اجتماعی و جغرافیایی و اختلافات دینی مجاز نیست

رعایت این مقررات ویژگی اصلی جنگهای پیامبر را تشکیل می داد.

جهاد اسلامی و عوامل موفقیت

1- جذب نیرو

در جنگهایی که پیامبر شخصا فرماندهی را بر عهده داشت غزوه نامیده اند و در نبردهایی که پیامبر حضور نداشته و فرماندهی بر عهده افراد دیگر بوده به آنها سریه گفته شده است. بدون تردید در زمان حضور پیامبر در مدینه نوع نبردها با پیروزی های چشمگیری همراه بوده است. در مورد علت موفقیتهای ایشان صحبتهای متعددی مطرح شده هر چند آن را عده ای بحساب معجزه گذاشته و یا تصادفی دانسته اند اما واقعیت این است که بر خلاف نظر مخالفین تمام نبردها دارای طرح و برنامه منظم بوده و از اصول خاص به خود تبعیت می کرد. و به بیان دیگر به هیچ وجه موفقیتهای اسلام

تصادفی نبوده است. به عنوان مثال در مورد جذب نیرو با اینکه سخت ترین بخش یک نبرد را تشکیل می دهد ملاحظه می شود حضرت برنامه خاصی را بمورد اجرا می گذاشته است. که به تعدادی از آنها که در متون تاریخی اسلام آورده شده است اشاره می شود.

- 1 - استقبال و بدرقه رزمندگان
- 2 - برخورد جدی با شایعه سازان
- 3 - نوید پیروزی و تشویق رزمندگان
- 4 - قرار دادن بستگان در صف مقدم
- 5 - طرح مساله شهادت به عنوان کمال آرمانی انسان
- 6 - بیان اهمیت جهاد در راه خدا
- 7 - استفاده از ابزار تبلیغاتی مثل خواندن سرودهای حماسی و قرآن
- 8 - مانور تبلیغاتی هنگام اعزام نیرو
- 9 - دعا برای پیروزی رزمندگان
- 10 سخنرانی و توجیه رزمندگان قبل از اعزام
- 11 دادن نقش به زنها
- 12 عیادت مجرومین و دلجویی از آنها

2: فرماندهی هوشمندانه

مصادیق آن بدین شرح یوده است

- 1 - تصمیم گیری سریع و صحیح در حین نبرد و از دست ندادن زمان
- 2 - شجاعت فردی و قدرت جسمی شخص پیامبر
- 3 - اراده قوی حضرت
- 4 - روحیه تزلزل ناپذیر
- 5 - دور اندیش بودن بطوریکه با برنامه منظم وارد کار و زار می شد
- 6 - شناخت روحیه و استعداد نیروهای سپاه اسلام و واگذاری ماموریت های متناسب با توانایی به آنها
- 7 - اعتماد متقابل بین پیامبر و رزمندگان اسلام
- 8 - رعایت مساوات در برخورد با رزمندگان و توجه جدی به مسائل عاطفی و اخلاقی
- 9 - استفاده از شیوه های نو و ابتکاری در صحنه نبرد
- 10 استفاده از اصل غافلگیری و راز داری

3- ایمان و جنگاوری رزمندگان

- 1- نگاه جهادی به نبرداشتند
- 2- در هر صورت خود را پیروز می دانستند
- 3- تکلیف مدار بودند
- 4- با اعتقاد راسخ برای جلب رضایت خدا وارد نبرد می شدند.

5- تعبد کاملی به تدابیر فرماندهی داشتند و آن را بدقت اجرا می کردند .

6- رزمندگان در مورد همدیگر اینثارگرانه رفتار می کردند

4- رعایت عدالت در جنگ به دشمن

1- نبردها انتقامی نبود

2- نبردها از روی تعصب نبود

3- حدود اسلامی در برخورد با زنان - پیران و بیماران حتی در مرد حیواناتها و منابع طبیعی رعایت می شد

مقررات اسلام در جنگ

- 1 - تمام نبردهای پیامبر دفاعی و برای تحکیم پایه های صلح بوده (صلح غیر از تسلیم و تحمل ذلت است)
- 2 نبردهای اسلامی جنبه آرمانی و اعتقادی داشت و از مسائلی مانند نژادی و مادی بدور بود
- 3 رعایت اخلاق در نبرد مانند عدم تعرض به بیماران - پیران- کودکان و زنان و رعایت حقوق مجروحان و اسرا بمورد اجرا گذاشته می شد.

تاکتیک های جنگی مسلمانها

- 1 - شناسایی دقیق و کامل دشمن از طریق انجام کارهای اطلاعاتی
- 2 - اجتناب از جنگ همزمان در چند جبهه
- 3 - رعایت اصل مخفی کاری و غافلگیری
- 4 - فشار اقتصادی بر دشمن
- 5 - استفاده از نیروهای تهاجمی و ضربتی
- 6 - فرماندهی عالی مخصوصاً در لحظات بحرانی
- 7 - مراقبت کامل وحدت رزمندگان
- 8 - استفاده از جنگ روانی
- 9 - توجه به اصول اخلاقی انسانی
- 10 رعایت سلسله مراتب فرماندهی
- 11 تعیین فرماندهان جنگ وجانشینهای آنها و گرفتن آرایش نظامی

12- توجه به نظرات و پیشنهادات فرماندهان

10 --دعوت اسلامی داخلی/بین المللی /مخالفین.منافقین.مشرکین/پیمانها /غدیر خم/جیش اسامه/رحلت نبوی

دعوت اسلامی داخلی

پس از حضور پیامبر در مدینه بتدریج بخش های عمده ای از سرزمین جزیره العرب یا اسلام را پذیرفتند یا متقاعد شدند تا با پرداخت جریمه به دین خود باقی بمانند. تنها سرزمینی که تا سال هشتم هجری به عنوان پایگاه اصلی مشرکین و نقطه امید منافقین بحال خود باقی مانده بود مکه بود.

پیامبر در سال 6 هجری طی عهدنامه ای که با آنها بسته بود طرفین متعهد شدند تا مدت 10 سال از فعالیت بر علیه همدیگر اجتناب نمایند. و این فرصتی مناسب برای مدینه بوجود می آورد تا بدون دغدغه به سراغ حل سایر مسائل برود.

آنچنان که تاریخ گواهی می دهد برخی از یاران پیامبر به این قرارداد اعتراض داشتند شاید به این دلیل بود که احتمال می دادند که کفار وفادار به آن نخواهند بود در واقع هم همینگونه نیز شد. مشرکین در طی 2 سال مکرراً مرتکب تخلفات از مفاد عهد نامه شدند تا اینکه بالاخره در آخرین مورد آن به یکی از هم پیمانان مسلمانها متعرض شدند. پیامبر با وجود شرایط پیش آمده با برنامه غافلگیرانه به سمت مکه عزیمت کرد و با فتح آن شهر علی رغم اینکه انتظار برخی اصحاب و خود اهل مکه بدلیل اذیت های فراوان در طی مدت 20 سال به پیامبر مجازات شدید را داشتند، حضرت با شعار ایوم المر حمه همه آنها را مشمول عفو نموده و بعد از شکستن بتها و سردادن شعار لا اله الا الله حکومت واحد اسلامی در سرزمین جزیره العرب شکل گرفت.

بین المللی

پیامبر از سال ششم و بعد از پایان یافتن مساله یهودیان طبق دستور الهی ماموریت یافت تا رسالت خود را در سطحی بین المللی عرضه نماید و در این مسیر حدود 185 نامه و میثاق نامه برای دعوت به اسلام تنظیم و ارسال شد که فقط 68 نامه آن برای پادشاهان بزرگان قبایل بود.

از جمله افرادی که مورد خطاب قرار گرفت، خسرو پرویز پادشاه ایران، قیصر امپراتور روم، پادشاه نجاشی بودند پیامبر در نامه های خود آنها را اینگونه مورد خطاب قرار داده بود.

1 - از محمد به کسرای بزرگ ایران. درود بر آنکه حقیقت جوید و به خدا و پیامبر خدا ایمان آورد من به فرمان خداوند تو را به سوی او می خوانم او مرا برای هدایت همه مردم فرستاده است تا همه را از خشم او بترسانم و حجت را بر کافران تمام کنم، اسلام بیاور تا در امان باشی و اگر از ایمان و اسلام سر بر تافتی، گناه ملت مجوس برگردن توست. واکنش خسرو پرویز:

او ضمن توهین و بی احترامی به نامه پیامبر به فرماندار یمن دستور داد تا پیامبر را دستگیر و نزد او بفرستد

2 - نامه به قیصر روم:

از محمد فرزند عبدالله به هرقل بزرگ روم. درود بر پیروان هدایت. من تو را آیین اسلام دعوت می کنم..... ای اهل کتاب ما شما را به یک اصل مشترک دعوت می کنیم غیر از خدا نپرستیم کسی را انباز او قرار ندهیم واکنش قیصر

او با توجه به آشنایی قبلی توسط کتب آسمانی در مقام تحقیقی درآمده و پس از احترام زیاد به فرستاده و پاسخ نامه پیامبر را به همراه هدیه به مدینه ارسال کرد.

مباهله

از همین نوع نامه ها یکی هم برای اسقف نجران ارسال کرد. آنها بعد از مطالعه تصمیم گرفتند گروهی را برای بررسی صحت نبوت به مدینه اعزام نمایند. گروه اعزامی در مدینه پیامبر را دعوت به مباهله کردند که مورد قبول واقع شد و به امر خدا پیامبر تنها با خاندان خود در موعد مقرر حضور یافت. فرستادگان با دیدن ترکیب هیئت شرکت کننده در مباهله آن را نشانه صدق نبوت دانسته و از ادامه مباهله صرف نظر کردند و متعاقب آن عده ای از مسیحیان مسلمان شدند و عده ای هم پذیرفتند که جزیه بپردازند.

مخالفين. منافقين. مشركين

پيمانها

غدير خم

جيش اسامه

رحلت نبوى

www.havaryoon.ir